

# آهنگ بدیع

لاهیجان

سال

۲۳

شماره

۶۹۵





اجتہاداً قطعاً نباید هیچ حزبی داخل شوند و در امور سیاستی مداخله نمایند. « حضرت عبدالباقا »

صفحات	مطالب
۱۱۶	۱- لوح مبارک حضرت بهاء الله جل ثنائه
۱۱۷	۲- تربیت الهی اساس علم است
۱۲۶	۳- مدارس تابستانه بهائی
۱۳۸	۴- اخبار مصور
۱۴۰	۵- آئین اعظم ( شعر )
۱۴۲	۶- یادداشتهاى نظام الممالك
۱۴۷	۷- عكسهای تشکیلات جوانان
۱۴۹	۸- جناب سفدری در امریکا
۱۵۴	۹- ماریون جک
۱۵۸	۱۰- صفحه ای از یک کتاب
۱۶۱	۱۱- عکس تاریخی
۱۶۲	۱۲- سر عشق ( شعر )
۱۶۳	۱۳- اسناد و مدارک
۱۶۵	۱۴- قسمت نوجوانان

# آهنگ بدیع

سال

۲۳

شماره

۶۹۵

شهر الکلمات - شهر العزّه ۱۲۵ - مرداد و شهریور ۱۳۴۷

مخصوص جامعه بهائی است

بسم الله الرحمن الرحيم

و جعفر از فرستادن با هر عیب توجه نمود میفرماید در بیسیح احطی بنحویت این سخن را در مشهور است و در این عالم

مصرف دلیر در شایسته نفاق و خدای ازین مردم با هم عظیم می شود و هر یک در یک سبب در یک سبب در یک سبب در یک سبب در یک سبب

و از خوار و خاشاک ضعیف و بیگانه نظر نماید هر یک در یک عالمید و از یک کلمه خورشید در یک سبب در یک سبب در یک سبب

با عموم نام معاشرت نماید در بیسیح نام عبودیت و معروف از مردم و از هر یک در یک سبب در یک سبب در یک سبب

فرسخه شکر است و در تعلق و جدال شایسته از همه و حکم بود در هر یک در یک سبب در یک سبب در یک سبب

ناظر باشند و با امر و با فریاد کتاب عاقل طوبی که با قیامت از آن

از او هر عیب هر که شکر است در یک سبب

# تربیت الهی

## اساس علم است

ترجمه: مهندس هوشنگ نعیمی

از جمله تعالیم اساسی حضرت بهاء الله که برای محافظه و صیانت نظم جهان و حصول وحدت عالم انسان نازل گردیده تحری حقیقت است. این تعلیم یکی از تعالیم مبارکی است که جنبه فردی دارد در صورتی که اکثر تعالیم مبارک اصولاً ناظر بجمع بوده و مستلزم تغییرات اجتماعی است مثلاً انتخاب زبان بین المللی یا تعیین روش عمومی برای تعالیم و تربیت و وظیفه و مسوولیت فردی نیست و حال آنکه تحری حقیقت وظیفه ایست فردی که هر شخصی باید مستقلاً بدان اقدام نماید این تعلیم دو جنبه دارد یکی تمییز و تشخیص حقیقت از باطل، دیگر حفظ و صیانت احباء در موارد امتحانات الهیه از وساوس شیطانی و توجه باین مسأله بسیار مهم و ضروری است.

این تعلیم نه تنها در حیات روحانی باید مراعات گردد بلکه عمل بآن در کلیه امور و شئون لازم است. در همه کارها ام از کلی و جزئی باید تحری حقیقت نمود فی الواقع این اصل غیر قابل احتراز بوده و اساسی ترین حق طبیعی هر فرد میباشد.

مسأله مورد بحث این است که آیا والدین بهائی باید نظرشان درباره اطفال خود این باشد که آنها را بهائی تربیت نمایند و یا اینکه به تصور باطل و امید ضعیف اینکه امر را خودشان بشناسند آنان را به حال خود رها نمایند.

نظر اخیر استنباط غلطی از بیانات الهیه میباشد و یکی از بزرگترین عواملی است که باعث تقلیل تعداد نفوس و هدم بنیسان خانواده های بهائی میگردد و سبب عدم پیشرفت امرالله در بسیاری از نقاط گردیده است.

حقیقتاً باعث تأسف است که بعضی از مو<sup>م</sup> ضنین تازه تصدیق بعلت عدم اطلاع از جامعیت امر الهی چون مایل هستند آسان ترین راه را انتخاب و ضمناً وجدان خویش راراضی نمایند این تعلیم اساسی را که باعث حیات ابدی است سو<sup>م</sup> تعبیر مینمایند و این عطیه الهی را که باید بمطابقه چرافی از آن استفاده نموده و تاریکترین زوایای حیات خود را با آن روشنی بخشند بدل به آتشی میسازند که تار و پود حیات روحانی آنان را شعله ور ساخته و از آنان جز اسکلتی باقی نخواهد گذارد که آنهم بزودی بدل بچاک خواهد شد .

با نهایت تأسف بعضی از خانواده های بهائی را ملاحظه نمودم که بسا وجود آنکه خود از اعضای فعال جامعه امر میباشند بسبب سو<sup>م</sup> تعبیر این تعلیم اساسی حتی یک کلمه از امر الهی یعنی این میراث ابدی با فرزندان خود گفتگو ننموده اند و هیچ توجهی به نتایج وخیم این بی اطلاعی در قلوب و ارواح عزیزان خویش ندارند گوئی به دسته ای سری و مخفی تعلق دارند . کوچکترین اثری از امر در منازل مزین و مفروش آنان بشظر نمیرسد حتی بعضی از آنها از اظهار انتساب دیانتی خویش شرم و ملاحظه دارند فرزندان این نفوس بکلی از امرالله بی اطلاع مانده اند و هنگامی که خانه و خانواده خویش را ترك مینمایند بطور یقین هنوز از مشاهده انقی اعظم که با طلوع شمس حقیقت روشن گردیده محروم اند .  
وقتی که از والدین آنان هلت این امر را جویا میشدم من دون استثنا<sup>م</sup> جواب می شنیدم که مایلند فرزندانشان به حقیقت امرالله شخصا بی برند و مستقلاً آنرا تحری نمایند .

شنیدن این جوابها حزنی بقلب من وارد میساخت که آنرا با هیچ کلام و بیانی نمیتوانم وصف نمایم . " شخصاً بی برند " چه جواب واهی و باطلی . چگونه آنها بامرالله بی خواهند برد . اگر نتوانند درخانه خویش و با راهنمایی والدین خود که از روی نهایت محبت و آگاهی است از امر الهی آگاهی حاصل کنند پس چه کسانی و در کجا آنان را مطلع خواهند ساخت . اگر ما به اولاد خود رحم ننمائیم و آنان را دستخوش امواج مهیب این دریای متلاطم که اجتماع نامیده میشود سازیم چگونه انتظار داریم که دیگران بر آنان ترحم نمایند و دستشان را گرفته نجات بخشند و بساحل سلامت و اطمینان کشانند .

اگر منظور از تحری بالاستقلال این است بس چگونه است که نهایت سعی و کوشش را میکنیم که آنها را بمدرسه بفرستیم و از چندین سال قبل نام آنها را برای ورود بدانشگاه ثبت مینمائیم . چرا اصرار داریم که در کلاسهای درس مرتباً شرکت کنند و تشویقشان مینمائیم که کارهای خود را بهتر انجام دهند و از پیشرفت خود در کارهایی که آنها کارهای علمی و هنری مینمائیم مفتخر باشند چرا آنها را آزاد نمیگذاریم که راه خود را به مو<sup>م</sup> سسات فرهنگی خود بیابند و در انتخاب آزاد باشند؟ چرا از آنان سو<sup>م</sup> ال میکنیم وقت خود را در مدرسه / میخانه / یا قمارخانه در کجا گذرانیده اند؟

برای کسب علوم ظاهره به فرزندان خود اصرار مینمائیم که دوره تعلیمات خاصی را طی کنند از آنها نظم و ترتیب می‌خواهیم و کاملاً مواظب هستیم که هیچ فرصتی را از دست ندهند ولی افسوس در باره حیاتی‌ترین مسأله‌ای که چگونگی آفتاب در همه مراحل حیات مورد احتیاج عزیزان ما میباشد و سعادت ابدی آنها را تأمین مینماید نهایت سهل انگاری و عدم علاقه و توجه را از خود نشان میدهیم . آیا باید هدف ما فقط این باشد که خود را از تنگنای عدم ایمان و شک و تردید نجات بخشیم و بشناسائی و ایمان و ایقان به حقیقت امر حضرت بهاء الله نائل آئیم و پس از وصول باین هدف نهائی و عرفان مقام ربی الهی بسیر و طلب خود خاتمه دهیم بدین معنی که پس از آن همه اعمال و بیانات حضرت ایشسان چون حقیقتی مورد قبول قرار گیرد و حال آنکه روح تحریر و تحقیق باید سالک را که باین سفر اقدام نموده موفق سازد لثالی حقیقت را از آلودگیها پاک نماید و در این سیر به مرحله‌ای واصل گردد که هر عضوی از اعضا و حتی هر موئی از اوزان گشاید و از انوار ایمان که در قلب و روحش بر افروخته سخن گوید .

این سیر و سلوک هنوز به پایان نرسیده بلکه سالک پس از وصول به مقام ایمان به ساحل بحری بی پایان از آثار رحمن قدم میگذارد که باید در آن بحر غور نماید و غرض از این غور امتحان حقیقت کلمات و آیات و تعالیم و احکام نبوده بلکه باید با قلب پر ایمان و ایقان و با حالت خضوع و خشوع محض به دعا و مناجات مشغول گردد و به مشاهده جمال پایدار و کشف لثالی و اسرار بی شمار کلمات پردازد .

#### غرض از کسب علم

بیش از آنکه بموضوع اصلی این نامه توجه نمائیم خوب است بدو قسمت ذیل از تاریخ جاویدان نبیل نظر نموده و خاطره اعمال پر افتخار دلاوران و مؤمنین امر الهی را تجدید سازیم . این مطالب مسأله مورد نظر را از دو جهت روشن خواهد ساخت و یقین دارم تحقیق ما را واضح زیاده خواهد بخشید .

" به محض اینکه حجت زنجانی ندای امر جدید را شنید در مقام تحقیق بر آمد و شخصی از نثاق و معتمدین خویش را که ملا اسکندر نام داشت برای تحقیق مطلب به شیراز فرستاد ملا اسکندر پس از ورود به شیراز چهل روز توقف نمود و بحضور مبارک مشرف شد عظمت امر را دریافت و نسبت به امر جدید مؤمن گشت با اجازه حضرت باب به زنجان مراجعت نمود و در هنگامی که علماء در محضر حجت مجتمع بودند نزد وی رفت حجت از او پرسید آیا به امر جدید مؤمن شدی یا نه ملا اسکندر ورقی چند از آیات مبارکه‌ای که از قلم حضرت اعلی نازل شده بسود به حجت داد و گفت اینها را مطالعه کنید من مطیع اوامر شما هستم حجت خشمناک گردید و به اسکندر گفت این چه حرفی است که میزنی اگر علماء در این

محضر نبودند ترا مجازات میکردم مگر نمیدانی که اصول دین تحقیقی است رد و قبول من برای توجه فایده دارد وقتی که اوراق را مورد مطالعه قرار داد و يك صفحه آنرا خواند بی اختیار بسجده افتاد و گفت شهادت میدهم که این کلمات از مصدری نازل شده که قرآن از آن مصدر نزول یافته است هرکه حقانیت قرآن را معتقد است باید یقین داشته باشد که این کلمات هم برحق است . کلمات الهی است هرچه صاحب این کلمات بگوید چون من عند الله است اطاعتش واجب است ای نفوسی که در این مجلس حاضرید همه شاهد باشید من بصاحب این کلمات مو من هستم اگر روز را شب بخواند و آفتاب را سایه بداند بدون هیچگونه شك و ریبی فرمان او را اطاعت میکنم زیرا حکم او حکم خداست هرکه بانکار او پردازد خدا را منکر شده است . چون این کلمات را جناب حجت بیان کردند جمعیت پراکنده و مجلس خاتمه یافت " ( تاریخ نبیل صفحه ۹ - ۱۶۸ )

" جناب حجت مدتی بود که یکی از خواص و معتمدین خود را که مشهدی احمد نام داشت برای تقدیم عریضه و هدایای چندی بحضور حضرت باب به شیراز فرستاده بود يك روز جناب حجت با شاگردان خود مشغول صحبت بودند در این بین مشهدی احمد از شیراز مراجعت کرد و نامه سر به مهری از حضرت اعلی به حجت داد لوحی از حضرت اعلی بود که در ضمن آن ایشان را ملقب به حجت فرموده بودند و تأکید فرموده بودند که حجت از بالای منبر خلق را مخاطب ساخته تعالیم اساسیه امر مبارک را برای مردم شرح بدهد جناب حجت به محض اینکه لوح مبارک را قرائت کرد تصمیم گرفت مطابق دستوری که باورسیده رفتار کند فوراً درس را تعطیل کرد و شاگردان خود را مرخص نمود و بآنها فرمود از این بیعد درس نخواهم گفست و بآنها گفت طلب العلم بعد حصول المعلوم مذموم " ( تاریخ نبیل صفحه ۶ - ۵۶۵ )

حضرت بهاء الله وجود انسان را از هر نژاد و رنگ و کشور و اقلیم به معدنی تشبیه میفرمایند که خداوند به حکمت مکنونه و لطف تامه خویش جواهر نفیسه در آن بودیعه نهاده که باید از طریق تربیت صحیح و کامل الهی کشف گردد و بساک و مصفی شده صیقل پذیرد این جواهرات قوا و استعدادات مکنونه ای است که به همه افراد موهبت گردیده چون این قوا و استعدادات کشف و بطرز صحیحی تربیت شود عالم ملک آینه عالم ملکوت خواهد شد و جمیع کمالات الهی در آن با جلال و شکوه منعکس خواهد شد .

تربیت الهی اساس علم است

موضوع تربیت در دیانت بهائی بسیار وسیع بوده و شامل کلیه جنبه های حیات انسانی میگردد و آثار بهائی مشحون از توضیحاتی است که تاریک ترین زوایای روح انسان را در نظر روشن میسازد . چقدر موجب تحسیر و اسف است که عالم انسانی در کمال لجاجت و سرسختی این مواهب فراوان رحمانی را ترك و سبیل هلاک و غضب



الهی را انتخاب نموده .

موجب تأسف بیشتری خواهد شد اگر موء فین این امر اعظم از پیروی نصایح مشفقانه الهی خویش را محروم سازند .

توجه خود را در این نامه تا وقتی که فهرست و ترجمه رسمی کلیه آثار الهی در دسترس ما قرار گیرد بوظائف والدین نسبت به اولاد حصر مینمایم . باید توجه داشته باشیم که تربیت به معنی تربیت رفتار با تعلیم تفاوت زیادی دارد . حضرت عبدالیهاء تأکید فرموده اند که تربیت همیشه باید مقدم بر کسب و جمع آوری صرف یک سلسله معلومات باشد تنها اطلاع بر امور بسیاری و حفظ قواعد و قوانین بی شما و تکرار طوطی وار فرضیه های علمی افتخاری برای انسان نمیشد . افتخار حقیقی به تربیت انسانی و رفتار اخلاقی است که انسان را آینه کمالات الهی ساخته و چون ستاره رهنما درخشنده و تابان میسازد در اثر این تربیت انسان جان خود را ایثار ولی از استفاده از علم خویش برای خرابی و اضمحلال عالم انسان امتناع مینماید .

این هدفی است که ما را برای وصول بدان تشویق نموده اند . حضرت بهاء الله تربیت الهی را عالیترین دستور مبارک دانسته و حافظ عظیم امرالله شمرده اند . موء سسات تربیتی اول بایستی اوامر و احکام الهی را در قلوب و افکار اطفال القاء نمایند بر این اساس اطفال در ظل پرستش یزدان نشو و نما نموده و یکدیگر را چون ابناء و بنات الهی دوست خواهند داشت پس از این دستور حضرت بهاء الله بلافاصله ما را از افراط در امور انذار میفرمایند که مبادا تعصبات فردی یا اجتماعی در قلوب اطفال بی گناه ایجاد گردد .

#### مسوء لیت والدین

چنانچه از بیانات مبارکه واضحاً استنباط مینمائیم هیچگونه اجبار و تحمیلی در امر نیست و والدین بهیچوجه نیایستی با اطفال خود تحمیل نموده و یا آنانرا مجبور بر قبول دیانت بهائی نمایند ولی بر طبق نصوص مصرحه آنان مسوء ل تولد و رشد روحانی اولاد خویش میباشند .

بہتر است از طبیعت سر مشفق بگیریم وقتی مادر باردار میشود طبیعت در جسم او شرایطی بوجود میآورد که محیط مناسبی برای رشد جنین ایجاد میگردد در این محیط مناسب رشد جسمانی طفل شروع میشود هر چند والدین مشتاقند کسه روی طفل خود را زودتر ملاحظه نمایند ولی هرگز نمیخواهند که طفل با اجبار قبسل از موعد مقرر تولد یابد بلکه بالعکس با کمال صبر در انتظار ساعتی هستند که قادر متعال مقدر ساخته و همه امور را با این سیر طبیعی هم آهنگ میسازند چون ساعت فرخنده بر طبق نوامیس طبیعت فرا رسد طفل باین عالم عظیم قدم میگذارد . حال خوب است که همین ترتیب و قرار را در منزل ثانی که با تولد جسمانی طفل بآن

قدم میگذارد مراعات نمائیم .

مقصود از تربیت روحانی در خانه ایجاد محیط و هوایی است که طفل در آن هوا قوای روحانی این زمان را استنشاق نماید و در میقات معین مانند گلی شکفته گردد و در رضوان الهی و در ظل توجه باغبان رحمانی وجود خویش را به منصه بروز و ظهور آرد و این کار با جبار ممکن نه همانگونه که تولد به عالم جسمانی نیز بزور اجبار امکان پذیر نمیباشد هرگز نمی‌کوشیم که گلی را در زمستان از درون شاخه بیرون آریم بلکه گل بر حسب قوانین مخصوصه عالم نبات که از طرف خالق متعال تعیین گردیده در فصل معین زینت بخش شاخه خواهد شد .

این موضوع را با مثالی روشن میسازیم اطفالی که در محیطی نشو و نما نمایند که موسیقی موزار و بتهون همیشه در آن مترنم باشد یقیناً بآن موسیقی علاقه مند خواهند شد زیرا فضای آن محیط همیشه ملو از این آهنگها بوده و طفل آنرا چون هوا استنشاق مینماید فی الواقع این علاقه مشترک چون کانونی همه افراد خانواده را بهم نزدیک میسازد .

اگر والدین طبق دستور جمال قدم هر صبح و شام به تلاوت آیات پردازند و به انعقاد احتفالات تبلیغی در منازل خویش مبادرت نمایند و در آن احتفالات - نهایت محبت و احترام و صمیمیت را نسبت به عموم از هر نژاد و طبقه و دسته ای مجری دارند نماز بخوانند و روزه بگیرند و در جلسات ضیافت نوزده روزه مرتباً شرکت نمایند نه روز تعطیلات امری را مراعات کنند و در همه این احوال اهمیت و لزوم این مسائل را به اطفال تفهیم نمایند دیگر جای هیچگونه ترس و ناراحتی برای آنان باقی نماند و با نهایت سرلندی ناظر رشد گلهای زیبا در خانه خویش خواهند بود . روح امر همه طبقات محیط خانه را پر خواهد ساخت و حرارت و نور محبت الله ساطع از این منازل اطفال را درختان پر ثمر باغ الهی خواهد نمود که در میقات مقرر نه تنها بابیان بلکه با اعمال نیک خویش نشان خواهند داد که در ظل لوای اسم اعظم مجتمع میباشند و چون سربازان سپاه نجات حیات خویش را وقف خدمت در صفوف مقدم جهاد تبلیغی و میادین مهاجرت خواهند نمود و به فتوحات عظیمه نائل خواهند شد .

طبق بیانات الهی مادران قبل از تولد اطفال بایستی به تلاوت آیات الهی پردازند تا بر شد روحانی فرزندانشان خویش در عالم جنین کمک نمایند . پس از تولد نیز بمادران توصیه گردیده که در هنگام بخواب رفتن اطفال بدعا و مناجات پردازند تا تأثیر این مناجات در قلوب اطفال به اثر نور و حرارت در رشد گلهای تشبیه گردیده . به تدریج که اطفال رشد مینمایند والدین موظفند کلمات الهی را به آنان بیاموزند از سن پنج سالگی باید آنان را برای کسب تربیت روحانی به کلاسها و اجتماعات امری فرستاد . در آثار الهی بطور روشن و مشهود راجع به لزوم تربیت تأکید بسیار گردیده و آنرا در مقام و رتبه اول قرار داده اند و صریحاً میفرمایند

به اطفال در مرحله اول باید ادب آموخت و سپس علم و دانش .

### لزم تربیت روحانی در او ان کودکی

علم و دانش باید به موازات تربیت روحانی آموخته شود والا معلومات بشری تحت تسلط حرص و هوای نفسانی قرار خواهد گرفت و علم مایه ننگ و باعث هلاک عالم انسانی خواهد شد . حضرت عبدالبهاء بسبب عشق و علاقه شدیدی که به اطفال داشتند به عموم احباء توصیه میفرمودند که نهایت سعی را بنمایند که فرزندان خود را بر طبق اصول بهائی تربیت نمایند تا آنان اهمیت اجرای اوامر الهی را در حیات خویش دریابند . میفرمایند اطفالی که در بوستان محبت الهی و خانه های ملو از روح بهائی تربیت یابند يك ماهه راه يكساله خواهند بیمود همچنین به والدین تأکید میفرمایند که نهایت سعی و کوشش را بنمایند که اقدام ضعیف فرزندان خویش را بر سبیل عزت ابدی هدایت نمایند و این اقدام باید با نهایت محبت و از روی کمال علاقه و مهربانی انجام پذیرد ما را از زدن یا مورد ملامت شدید قرار دادن طفل نهی میفرمایند . به تجربه ثابت شده است که این رفتار باعث تأخیر رشد قوای مغزی و روحانی و حتی جسمانی اطفال شده مانع بروز استعدادات خفیه آنان میگردد و سبب میشود که از خانه و خانواده بیزار گردند .

باید همواره تأکیدات مبارکه حضرت عبدالبهاء را در خصوص این اصل اساسی بخاطر داشت که تربیت اطفال پس از سن پانزده سالگی بی نهایت مشکل و در بعضی موارد بکلی غیر ممکن است شاخه کج چون سخت شد دیگر راست نشود . حضرت عبدالبهاء میفرمایند چنین اطفالی در گرداب بدبختی مستغرق و در جنگال شرارت و غرور و نخوت و جهل گرفتار و حتی دچار اختلالات روحی خواهند شد آنان همواره احساس حقارت و کوچکی نموده مریض و ناسالم خواهند بود و همیشه نزد خود خجل و شرمسار بوده امتحانات زندگی را با نهایت مشقت خواهند گذرانید .

آیا این اطفال در باره والدین خود که با وجود در دست داشتن مشعل هدایت از راهنمایی آنان درین ورزیده اند چگونه فکر خواهند کرد .  
بدران و مادرانی که فرزندان خویش را در اثر غفلت و سهل انگاری به چنین غرقاب بدبختی افکنند در نزد خداوند مسؤل و مواخذ هستند . جمال مبارک با نهایت تأکید انذار میفرمایند که والدین که چنین غفلتی بنمایند از حق خویش نسبت به اطفال خود محروم خواهند گردید .

از والدینی که جز سعادت نور دیدگان و جگر گوشه گان خود آرزوی ندارند رجا دارم که قدری در وضع کونی عالم تعمق و تفکر نمایند و به بینند که آیا اطفال آنان احتیاج به صیانت و محافظت دارند یا اینکه بهتر است آنها را

بخود و در تحت تأثیرات ظالمانه حیات کفونی رها نمایند .

هیچ عقل سالی نمیتواند انکار نماید که امراض اجتماعی بیشمار بر جامعه کفونی مستولی گردیده و تحمل زندگی بر ما دشوار شده ناپاکی همه جوانب وجود انسان را احاطه نموده و مرداب فساد اخلاق دورترین و خشک ترین بیابانها و بعیدترین زوایای ویرانه های لم یزرع را فرا گرفته شهوات جسمانی و امیال حیوانی از قید و بند آزاد گردیده و در پی هوس رانی و کسب لذت میباشد عطش این دیو شهوت باید به هر طریق و وسیله ای ولو با شکستن اصول مقدس حیات انسانی فرو نشانیده شود تسلیم به امیال نفسانی امری عادی گردیده .

اطفال ما اطفال بی پناه ما در این عالم کاملاً مادی که دیو خروشان شهوت بر آن سلطنت مینماید غوطه ورند آلام و محن و وسوسه شیطانی آنها را احاطه نموده و قادر بر تشخیص امور الهی از مسائل شیطانی نمیشوند از عشق صمیمانه و رحمت و احترام بی خبرند وسوسه باطنی بر آنان غلبه نموده و انوار خیره کننده آن مسحورشان ساخته آیا به نیروئی داخلی و قوی احتیاج ندارند که چون چراغی پیش پای انسان را روشن سازد و موفق نماید چون انسان حقیقی زندگی نمایند و با افتخاری آسمانی مشی کنند و حیاتی پاک و مقدس آغاز نمایند که مقدمه ای از حیات ابدی گردد .

صیانت در ظل تعالیم حضرت بها<sup>۱</sup> الله

هرگونه تعبیری که عالم انسانی از وضع کفونی خود بنماید و هر نوع آنرا توجیه کند بر پیروان امرالله این نکته واضح و آشکار است که حضرت بها<sup>۱</sup> الله راهی در این عالم ظلمانی گشوده اند که تعالیم مبارک حافظ و روشنی بخش آن میباشد . غفلت و سهل انگاری غیر قابل بخشش والدین در رفتار خود نسبت به فرزندان خویش نتیجه غلطی است که بالاخره فرزندان آنها را گرفتار گرداب تنگ و خجالت نموده و ایشان را در عالم بعد بعدالت الهی گرفتار خواهد ساخت .

اگر در خانه ای بدون چراغ زندگی کنیم بدون شك گرفتار بلایای بسیار و مصائب بیشمار خواهیم شد اگر شعله ایمان را در قلوب اطفال خویش روشن ننمائیم حیات جسمانی و عقلانی و روحانی آنان در معرض زوال قرار خواهد گرفت . جایی که روشن است همه چیز در محل خود قرار گرفته و بخوبی دیده خواهد شد و ساکنین آن میتوانند همه اشیاء را براحتی مشاهده نمایند و با توجه به موقعیت آن مورد استفاده قرار دهند نور ایمان نیز چون در قلوب و ارواح اطفال برافروخته شود همچنین خواهد بود همه مواهب و قابلیتات مودعه الهیه در نهایت اعتدال و کمال آشکار و بکار برده خواهد شد .

اطفال ما وقتی نظر بافق وسیع حیات می افکنند در تحت دو قوه قرار میگیرند که هر یک از آن قوا آنان را بطرف خود جلب مینماید یکی به درجه ای از ذلت میکشاند که حتی لذات زندگی را در کام آنان بدل بدرد ورنج میسازد دیگری

که ندای باطنی است به قله عظمت و جلال میرساند بحدی که حتی مرگ در نظر آنان تبدیل به عزت ابدیه میگردد برآنان بنگرید که با چشمهای بی گناه و خیر مو منتظر خود در میان این قوای متباین حیات سرگردانند که هر يك میخواهد آنها را به کام خود کشد آیا سزاوار است چون تماشاچیان روی با کمال راحت در جای خود بنشینیم و ملاحظه کنیم حیاتیهای انسانی در چنگال این درندگان گرفتار باشد و یا چون والدین وظیفه شناس باید بآنان کمک و راهنمایی و مساعدت نمائیم تا چشم بکشایند و طلوع آفتاب حقیقت را مشاهده نمایند .

غیبت سبب ممات روح است

از روی تجربه بلائی را میشناسم که بدون هیچگونه رحم روح اطفال ما را بتدریج میکشد هر چند این مصیبت اغلب مهمان ناخوانده است ولی متأسفانه گاهگاه خود او را دعوت مینمائیم و بهترین جا یعنی قلب خویش را در اختیارش قرار میدهیم و شیرین ترین لحظات حیات گرانبهای گذشته خود را باو تقدیم میکنیم . این بلا چون باد سرد زمستان است که چون بر باغ و بوستان مرور نماید شکوفه ها را عقیم و باغبان بی بناه را که در بستر راحت غنوده از زندگی ساقط و مخموم میسازد .

این مهمان ناخوانده زشت غیبت است . هر اندازه در تربیت اطفال خود بروح امر سعی نمائیم و بآنان احکام و تعالیم و اوامر اله را گوشزد کنیم باید به یقین بدانیم که اگر کوچکترین نجوایی از غیبت در خانه شنیده شود همه زحمات ما برای همیشه به هدر خواهد رفت .

آثار خطرناک آن چنان غیر محسوس است که خود شخص و والدین بهیچوجه از نفوذ و پیشرفت این مرض روحانی آگاه نمیشوند یکی از بلغین قدیمی امرالله همیشه بیان میکرد که ما سعی میکنیم بارگرانی را بطبقه فوقانی بنا برسانیم وقتی که آنها بالا بردیم شخص جاهلی لبه تیز چاقوی خود را به طناب نزدیک مینماید سقوط بار قطعی و مسلم است همه زحمات عده ای برای بالا بردن بار در لحظه ای و برای همیشه از دست میرود همین حکایت در مورد محیط مسعودی که در اثر ورود این مهمان زشت در خانه ایجاد میگردد صادق است .

گمان میکنیم که اطفال ما سرگرم لوازم بازی خویشند و توجهی بآنچه ما میگوئیم ندارند درست است که آنان در صحبت و مذاکره اولیای خود شرکت ندارند ولی چشم آنان می بیند و گوش آنان میشوند و همه چیز را در ذهن خود ضبط مینمایند .

قلوب و ارواح اطفال چون آینه صاف و مانند بلور پاک و مثل آب شفاف میباشد هر کله ای که ما در غیبت دوستان ذکر نمائیم چون قطره مرکب در قلوب پاک آنان می نشیند در ابتدا بنظر می آید که تغییری در رنگ حاصل نگردیده

# مدارس تابستانه، بهائی

نوع همدیسان

مقدمه - تاریخچه مدارس تابستانه - " گرین ایگر " مرکز محبت و فحص در باره ادیان - تشرف " سارا فارمر " بحضور حضرت عبدالبهاء " - تشریف فرمائی حضرت مولی الوری به امریکا - نزول اجلال هیکل اطهر به " گرین ایگر " - صعود " سارا فارمر " - موسس مدرسه " گرین ایگر " - مدرسه تابستانه " کیز رویل " - سایر مدارس تابستانه امریکا - تاریخچه مدارس تابستانه در ایران - مدارس تابستانه از متفرعات نظم بدیع - هدف و منظور از تأسیس مدارس تابستانه - برنامه مدارس تابستانه بهائی - نکاتی از مدارس تابستانه غرب - مدرسه تابستانه وسیله تبلیغ - آینده مدارس تابستانه .

## تاریخچه مدارس تابستانه

مدارس تابستانه بهائی سرگذشتی شیرین و شنیدنی دارد و با نام خادم برجسته ای بنام " میس سارا فارمر " (الگوام است . این خانم که روحی تشنه حقیقت داشت در سال ۱۸۹۴ میلادی پس از شرکت در " کفرانس جهانی ادیان " که در شیکاگو تشکیل شده بود در " گرین ایگر " (۲) از ایالت " مین " (۳) به تأسیس کفرانسهای تابستانی اقدام و به تشکیل مرکزی جهت فحص و تحقیق در ادیان و ایجاد اخوت و اتفاق در بین ملل و اجناس مختلفه مبادرت کرد . (۴)

## مقدمه

مدارس تابستانه بهائی از دوره حضرت عبدالبهاء پایه گذاری شده و با تعالیم و دستورات حضرت ولی امرالله بصورت منظم و متحد الشکل کنونی در عالم بهائی بعنوان " یکی از موسسات و متفرعات نظم بدیع " درآمده است . امروزه در بسیاری از جوامع بهائی مواد برنامه مدارس - تابستانه بصورت یکسان تحت نظر استادان بهائی تدریس میگردد و نقش مهم و موثری در تعلیم معارف امری و ترویج و اشاعه روح اخوت و همکاری و تجسم حیات بهائی دارد .



مدخل مدرسه تابستانه گرین ایگر

فوق الذکر در مقابل همین ساختمان در زیر خیمه وسیعی که اکنون "تالار بهائی" (۸) در آنجا ساخته شده تشکیل شد. در سالهای بعد هم این کفرانس در زیر سایه یک گروه درخت کاج تشکیل میشد.

خانم فارمر این مجمع را "کرسی آزاد خطابات" (۹) نامید و از رعمای مذاهب و مشارب مختلفه دعوت کرد که برای بیان عقاید خود که به ایجاد اتحاد و اتفاق بین ادیان و ملل کمک کند در این محل سخنرانی نمایند. بین کسانی که در جلسات این مجمع ادیان در "گرین ایگر" شرکت میکردند جمعی از نویسندگان - شعرا - هنرمندان و فضیلابنام امریکا را میتوان یافت. ضمناً در سالهای بعد جناب ابوالفضائل و جناب علی قلی خان

مراسم افتتاح این مرکز در "گرین ایگر" در تاریخ ۴ جولای ۱۸۹۴ با افراشتن پرچم صلح با حضور عده ای از فضلا و دانشندان و رجال و هنرمندان و رؤسای ادیان مختلفه امریکا بعمل آمد.

"گرین ایگر" که در ناحیه "الیوت" (۵) در ساحل رودخانه "بیسکاتاگا" (۶) واقع شده دارای - مناظر زیبایی است که با جنگلها و مزارع سرسبز احاطه شده و رودخانه مزبور که به زبان سرخ بوستان "رودخانه نور" (۷) نامیده شده بر زیبایی این ناحیه افزوده است.

در محلی که اکنون مدرسه تابستانه "گرین ایگر" قرار دارد در سال ۱۸۸۹ ساختمانی برای هتل بیلاقی ساخته شده بود که بعداً بوسیله خانم "سارا فارمر" خریداری شد و اولین کفرانس

نبیل الدوله و جناب تورن تون چیس ( اول من  
آمن امریکا ) نیز بدعوت خانم " سارا فارمر " در  
جلسات این مجمع شرکت کردند و به تشریح  
تعالیم حضرت بهاء الله پرداختند .

تشریف سارا فارمر بحضور حضرت عبدالبهاء

" میس " سارا فارمر " که از تعالیم  
مبارک آگاهی یافته و مقصود خود را در آنها  
یافته بود در سال ۱۹۰۰ میلادی به عکس  
مسافرت کرد و بحضور حضرت مولی الوری شرفیاب  
شد . نوری که با شنیدن تعالیم مبارک در -  
زوایای قلبش تابیدن گرفته بود با تشریف بحضور  
مولای عالمیان سراپای وجودش را احاطه کرد  
و متوجه شد که جستجوی او در باره حقیقت  
پایان یافته و از صمیم قلب بامر مبارک موء من  
گردید و به امریکا مراجعت کرد .

" پس از ورود در ظل امرالله و تشریفش به  
ارض اقدس در سال ۱۹۰۰ میلادی کلیه  
تأسیسات و تشکیلات را در اختیار بیروان  
امرالله قرار داد و وقف مصالح شریعة الله  
نمود " ( ۱۰ ) و سپس بقیه ایام حیات خود را  
بخدمات امری اختصاص داد .

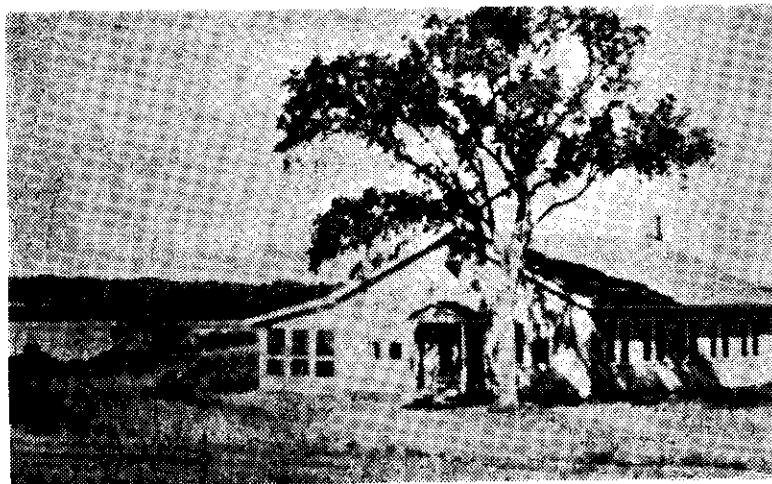
در سال ۱۹۰۲ جناب ابوالفضائل و مترجم  
ایشان جناب نبیل الدوله بدعوت ایشان به  
" گرین ایگر " رفتند و خطابات در باره تعالیم  
امر مبارک ایراد نمودند .

تشریف فرمائی حضرت عبدالبهاء به امریکا

" حضرت مولی الوری در سال ۱۹۱۲  
میلادی بامریکا سفر کردند و روز ۳۱ جولای  
۱۹۱۲ در مدرسه تابستانه ای که شخصی  
بنام مستر ( هندرسن ) در اطراف ( دولیسن )  
دائر کرده بود تشریف فرما شدند .  
در سفرنامه مبارک در این باره چنین میخوانیم ( ۱۱ )



یک کنفرانس تبلیغی در محوطه جلو تالار سارا فارمر



تالار بهائی مدرسه تابستانه گرین ایگر



زیبائی مناظر و لطافت هوا در باره گرین ایگر دعا فرمودند .

خانم فارمر ضیافت مجلی به مناسبت تشریف فرمائی هیگل اطهر ترتیب داد که در آن جمعی از احباب ، رجال و شخصیت های غیر بهائی شرکت داشتند ، حضرت مولی الوری يك هفته در " گرین ایگر " گذراندند و هر روز عصر به ایراد خطابات میپرداختند و بطوری که بعد از الواح مبارک فرمودند آینده روشنی را برای گرین ایگر پیش بینی فرمودند و نیز پیشگویی فرمودند که اولین دانشگاه بهائی آمریکا در " گرین ایگر " تأسیس خواهد شد . هیگل اطهر فرمودند " از درگاه الهی صمیمانه رجا دارم گرین ایگر را جنت ابهی فرماید " ( ترجمه ) حضرت مولی الوری پس از آن احباب امریکا را به شرکت در این مجمع و فرا گرفتن معلومات و اطلاعات امریه تشویق می نمودند و آنرا " انجمنی برای اعلا کلمة الله و محلی برای اجتماع افراد روحانی و توجه به عالم ملکوت " ( ترجمه مضمون ) نامیدند .

حضرت ولی امرالله در کتاب قرن بدیع ( ۱۲ ) در باره سفر هیگل اطهر به گرین ایگر و اظهار عنایت ایشان به خانم فارمر چنین میفرمایند :

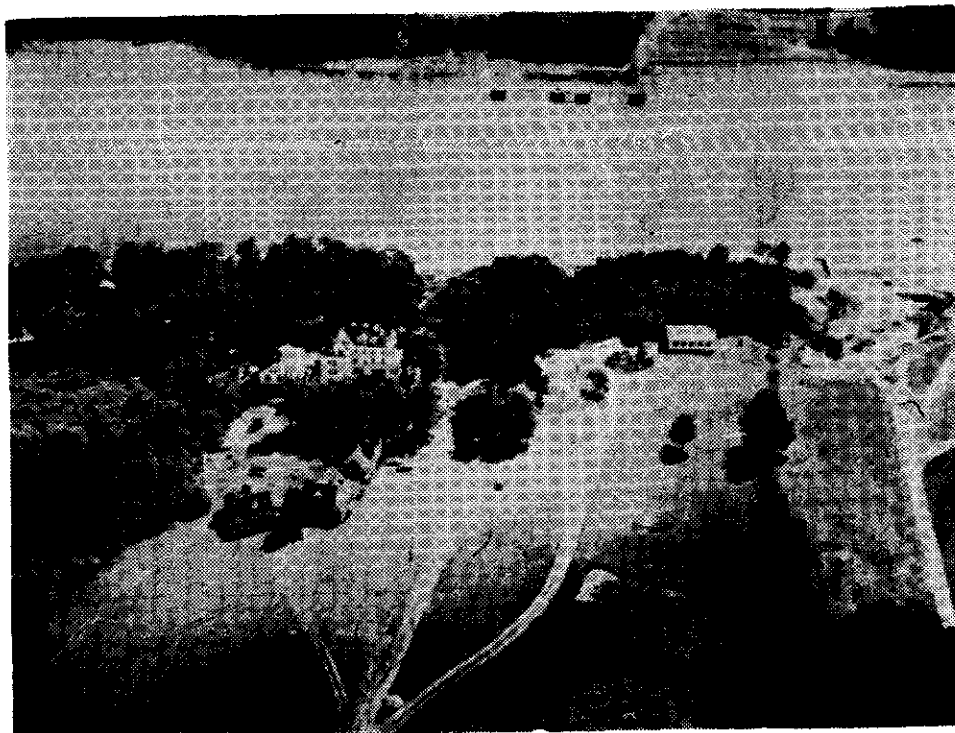
" ... دیگر اظهار عنایت و طلب تائید و موفقیت نسبت به کرسی آزاد خطابات موسوم به " ایسن فورم " در " گرین عکا " در ایالت " مین " در ساحل رودخانه " بیسکاناکا " که در آن محل عده کبیری از یاران رحمانی اجتماع نموده و مرکز مذکور بعد از یکی از اولین مدارس تابستانه دوستان امریک تبدیل گردید و در عداد یکی از مقدس ترین موقوفات امریه آن سامان درآمد ... "

حضرت عبدالبها در ایام توقف در گرین ایگر در تاریخ ۱۹ اگست ۱۹۱۲ بعد از سه تا چهار روز دختران تشریف فرما شدند و در سفرنامه مبارک چنین مندرج است : ( ۱۳ )

" روز ۳۱ جولای ۱۹۱۲ صبح به مدرسه تابستانی که مستر هندرسن از بیست سال پیش تأسیس نموده مدعو بودند و آن مدرسه بیست و پنج میل دور از آبادی دویلین بود و در فاصله سیار با صفائی از خیمه و چادر بنا نموده بودند چون اتومبیل مبارک به آن مدرسه رسید شاگرد همسایه همه در سن دوازده تا هیجده سالگی بودند دویده دور مرکب مبارک حلقه زدند و خوش آمد گفتند اما لباسهای آنها همه يك پیراهن و زیر جامه تنگ تا مرفق و زانو بود و در نهایت چابکی و نظافت و آداب . رئیس مدرسه وجود اقدس را اول به اطاق پذیرائی دلالت نمود و در آنجا ایستاده نطقی فرمودند و از وضع مدرسه و اطفال تحسین نمودند و بعد در اطاقهای چادری طلاب يك يك گردش میفرمودند و اغلب شاگرد ها با کد اکهای عکاسی با اجازه عکس مبارک را می گرفتند . دکتر هندرسن عرض نمود بیست سال قبل که من این مدرسه را بنا نمودم در هیچ جا از مدرسه تابستانی خبری نبود حالا صدها مدارس صحرائی در امریکا هست . فرمودند " هر چیز مدوحی زودنش می شود ولی اطفال را باید اول تعلیم دین نمود تا صادق و امین شوند " پس از صرف چای و شیرینی از حضور مبارک اجازه خواستند شاگرد ها بنای مشق و ورزش گذارند خلاصه گردش و بیان مبارک در آنجا طولانی بود و چون عزم مراجعت فرمودند رئیس و اهل مدرسه بسیار اظهار شکر و معنویت نمودند . "

#### نزول اجلال حضرت عبدالبها به گرین ایگر

حضرت عبدالبها روز ۱۶ اگست ۱۹۱۲ بنا به استدعای میس فارمر و سایر احباب به گرین ایگر تشریف بردند و از مزعه و تأسیسات میس فارمر دیدن فرمودند و در محل مخصوصی بنام " مونسالوات " جلوس فرمودند و پس از ستودن



منظره هوایی مدرسه تابستانه گرین ایگر

زده دست میزدند و اظهار خلوص میکردند ."

صعود سارا فارمر مؤسس مدرسه گرین ایگر

" سارا فارمر " مروج برجسته امر بهائیی در سال ۱۸۹۶ به ملکوت ابدی شتافت در حالی که نامش الی الابد در صفحات تاریخ امر میدرخشد پس از صعود وی مزرعه " گرین ایگر " و کلیسه ساختمانها و تأسیسات مدرسه تابستانه تحت اداره مستقیم محفل روحانی ملی امریکا و کانادا درآمد و از سال ۱۹۲۹ به بعد برنامه مدرسه تابستانه " گرین ایگر " تحت نظر لجنه ملی مدارس تابستانه امریکا تنظیم و اجرا گردید و به تدریج ساختمانهای از جمله ( تالار بهائیی ) و کتابخانه و سایر تأسیسات لازم به آن اضافه شد و مزرعه " گرین ایگر " که قیمت آن به میلیونها دلار بالغ میگردد رسماً جزو موقوفات امریه

" و عصر به مدرسه تابستانه دختران

در صحرای " گرین ایگر " ( عکا ) موعود بودند . ساعت چهار در اتومبیل مسس تیتم تشریف بردند نخست در کنار رودخانه روی علفها جالس شدند تا شاگردها خیمه ها را پریا کرده مشغول مشق گردیدند و معلم و معلمه کیفیت مدرسه و مطالب متعلقه بآن رابه سمع مبارک میرساندند بعد در زیر درختی که محل خطابه بود و جمعیت جمع شده رئیس با کمال تعظیم و تکریم وجود مبارک را معرفی نمود آنگاه قامت زیبا برخاست و از شرح و بیان تربیت روحانی و جسمانی شور و ولهی در دلها انداخت . پس رئیس و رئیسسه هر یک شکر عنایات مبارک نموده آخر شاگردها سرود نعت عبدالیه را چنان سرودند که از شوق لرزه به اندام اهل محفل افتاد و اغلب نفوس گریه شوق مینمودند و حسین حرکت در موبک مبارک حلقه

در امریکا درآمد .

مخفل روحانی ملی بهائیان امریکا بهاس خدمات فراموش نشدنی " میس سارا فارمر " سالن ساختمان قدیمی مدرسه تابستانه " گرین ایگر " را بنام " تالار سارا فارمر " (۱۴) نامگذاری نمود .

تاکنون هزاران نفر از افراد بهائی و غیر بهائیی امریکا و سراسر جهان در دوره های مختلف این مدرسه شرکت کرده اند و بسیاری از افراد غیر بهائی در همین مدرسه پس از مشاهده تجسم حیات بهائی و اطلاع بر تعالیم مبارکه بامرالله مؤمن شده اند و در واقع خود را فرزندان روحانی " گرین ایگر " میدانند .

بسیاری از اساتید و فضلاء بهائی از شرق و غرب عالم در این مدرسه تدریس کرده اند که از جمله جناب دکتر ضیا بغدادی و جناب فاضل مازندرانی علیهما رضوان الله را میتوان نام برد .

مدرسه تابستانه گیزرویل (۱۵)

در حقیقت اولین مدرسه تابستانه ای که با برنامه و طرح جدید در عالم بهائی بوجود آمد مدرسه ای است که متجاوز از چهل سال قبل در سال ۱۹۲۷ در تپه های کالیفرنیا در محلی بنام " گیزرویل " که ۸۰ میل تا سانفرانسیسکو فاصله دارد و در دره زیبای " سونوماوالی " (۱۶) واقع شده است تأسیس گردید .

در تاریخ ۲۰ اگست ۱۹۲۷ برای اولین بار ایادی فقید امرالله جناب لروی آیواس علییه رضوان الله عده ای از احباب امریکا را زیر درخت کاج معروف به " درخت بزرگ " (۱۷) در گیزرویل جمع کرد و ضیافت نوزده روزه ( شهر الاسما ) را ترتیب داد . همین محل بود که بعداً بصورت اولین مدرسه تابستانه امریکا درآمد و تأسیسات و تالار و ساختمانهای در آن احداث گردید که مخارج آن را ایادی فقید امرالله امیلیا کالینز

علیها رضوان الله پرداخت نمود .

سایر مدارس تابستانه امریکا و کانادا

پس از دو مدرسه فوق الذکر مدارس تابستانه دیگری در امریکا و کانادا تأسیس شد که عبارتند از مدرسه تابستانه " لوهلن رنج " (۱۸) نزدیک شهر " دیویسن " (۱۹) در ایالت " میشیگان " امریکا که در سال ۱۹۳۱ تأسیس شد و مدرسه بین المللی " باین ولی " (۲۰) در ناحیه " کرادو اسپرینگ " (۲۱) امریکا که برای تربیت افرادی که قصد قیام و نشر نفعات الهیه در ممالک سائره خصوصاً امریکای لاتین داشتند تأسیس شده است . چند سال قبل قطعه زمینی در کانادا خریداری شد و به تأسیس مدرسه تابستانه در آن دیار اقدام گردید .

امریکا پیشقدم تأسیس مدارس تابستانه

جامعه بهائی امریکا را در تأسیس مدارس تابستانه مانند بسیاری از مشروعات نظم بدیع باید سر مشق سایر جوامع بهائیی دنیا دانست .

پس از امریکا بتدریج مدارس تابستانه با برنامه های که از مدارس تابستانه امریکا اقتباس شده بسود در جوامع مختلفه عالم بهائی تأسیس شد و روز به روز توسعه یافت بطوری که اکنون در غالب جوامع ملی بهائی هر سال مدارس تابستانه تشکیل میگردد از جمله میتوان در اروپا تشکیل ۱۵ مدرسه در تابستان ۱۹۶۶ را نام برد .

حضرت ولی امرالله در باره توسعه مدارس تابستانه چنین میفرمایند : ( ۲۴ )

" نظربه مطالعه آثار مقدسه و مذاقه در تاریخ اولیه امر و تدریس تاریخ و احکام اسلام و انعقاد کنفرانسهای مودت و ایتلاف بین اجناس و الوان مختلفه و اختیار دوره های

زلاند جدید و هندوستان و عراق و مصر نیز بدوستان امریک تأسی نموده به همان سبک و قراری که یاران آن سامان اقدام نموده بودند به تأسیس مدارس تابستانه که در آتیه ایام به دانشگاههای بزرگ بهائی منتهی خواهد گردید همت گماشتند ."

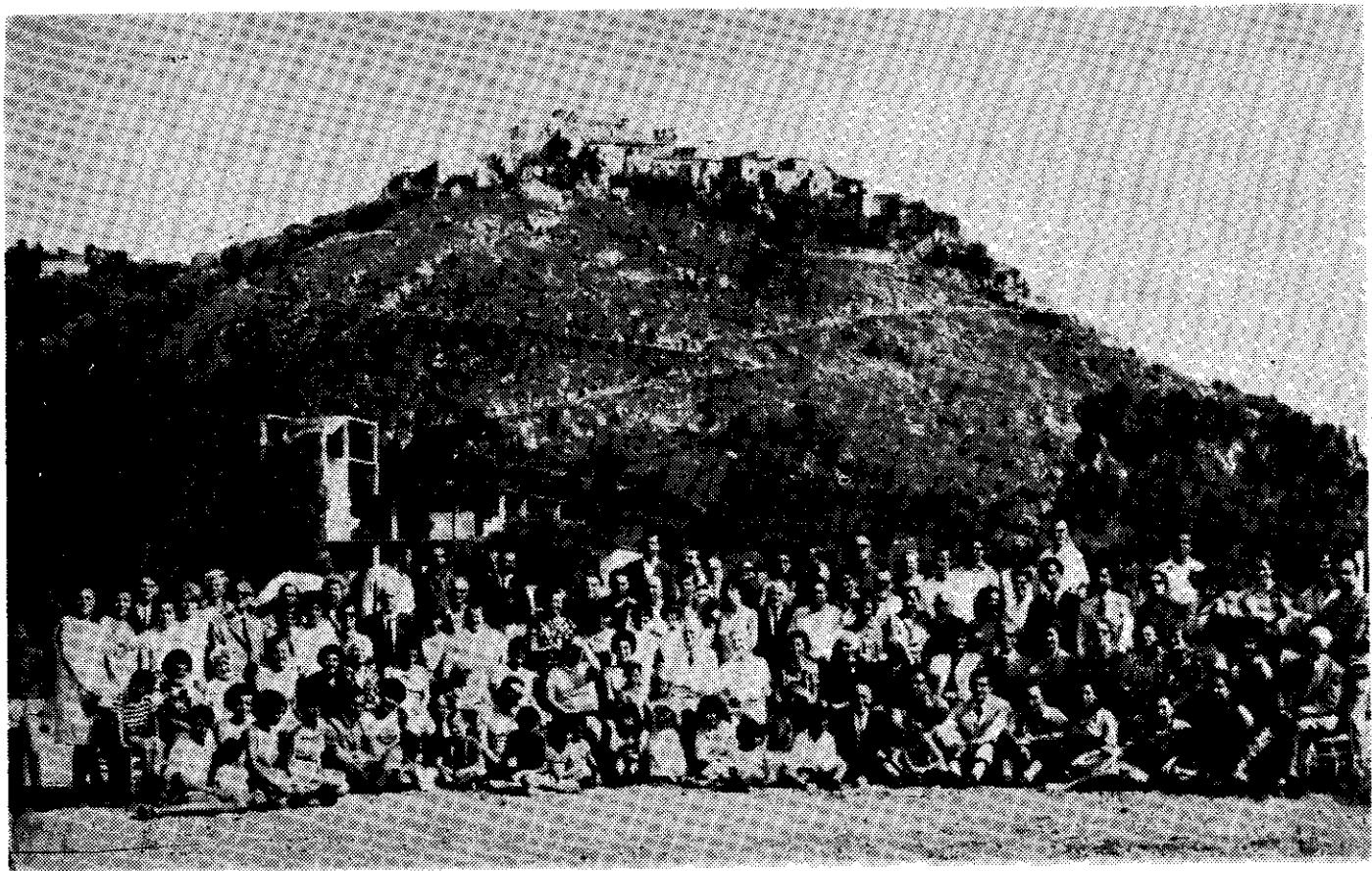
تاریخچه مدارس تابستانه بهائی در ایران

اولین مدرسه تابستانه ایران در سال ۱۳۱۸ شمسی در ( حاجی آباد ) فشم از ییلاقات اطراف طهران تشکیل گردید و این مدرسه سه سال در همین محل ادامه داشت .  
در این سه دوره که فضائی چون جناب عزیز الله مصباح و فاضل مازندرانی تدریس میکردند جمعی از جوانان و احبای الهی شرکت کردند و نیز در سال ۱۳۲۶ دو دوره مدرسه تابستانه در باغ ( سلیمانیه ) شمیران ( طهران ) دائر بود .  
تشکیل مدارس تابستانه از سال ۱۳۲۶ تا ۱۳۳۶

مخصوص و روش علمی جهت آشنا کردن یاران به اصول نظم اداری و تخصیص جلسات معین به مسأله تربیت اطفال و تهذیب جوانان و تشکیل کلاسها جهت تعین نطق و فحص و تحقیق درباره ادیان الهیه و مقایسه آنها با یکدیگر و بحث راجع به جهات و شئون مختلفه امرالله و تأسیس کتابخانه و کلاسهای درس تبلیغ و تنظیم رشته های مخصوص در باب اخلاق بهائی و آشنائی بموقعیت امریکای لاتین از نظر ابلاغ کلمه الله و ترتیب کلاسهای زمستانی و کرسیهای آزاد نطق و خطابه و اجتماع جهت تلاوت آیات الهیه و دادن نمایشات و گردش های دسته جمعی و سایر فعالیت های تفریحی و سرگرم کننده مدارس مذکور که ابوابش بر وجه افراد بهائی و غیر بهائی علمی حد سوا مفتوح بود چنان جالب توجه و منتجع نتایج عظیمه گردید که احبای سایر اقالیم از جمله در ایران و بریطانیای کبیر و آلمان و استرالیساو



اجتماع احبای امریکا در مدرسه تابستانه " گزویل " امریکا - جولای ۱۹۶۷



شرکت کنندگان در مدرسه تابستانه ایتالیا در نزدیکی نابل - تابستان ۱۹۶۷

نظر لجنه ملی مدارس تابستانه ایران اداره میشود هر سال در چند دوره ( یک هفته‌ای ) با شرکت جمعی از جوانان و بزرگسالان طهران و ولایات تشکیل میشود و جمعی از فضلا و اساتید بهائیی به تدریس مواد برنامه مدرسه میپردازند .

در تابستان سال ۱۳۴۵ تعداد ۶۳۸ نفر در ۸ دوره و در تابستان سال ۱۳۴۶ در حدود ۴۰۰ نفر در ۷ دوره مدرسه ملی تابستانه ( حدیقه ) شرکت داشته اند .

پس از طهران نیز در سالهای اخیر در اغلب مراکز قسمت های امریه بتدریج در تابستانها مدارس تابستانه تشکیل شده است .

شمسی به عهده تعویق افتاد تا اینکه در تابستان سال اخیر مدرسه تابستانه در ( قمیش دره ) در نزدیکی کرج طهران و در سالهای ۱۳۳۸ و - ۱۳۳۹ در ( نیاوران ) طهران تشکیل شد .

از سال ۱۳۴۰ شمسی تا کون مدرسه طوسی تابستانه در باغ مصفای ( حدیقه الرحمن ) مرتبا تشکیل میشود .

شروع مدرسه ملی ( حدیقه ) در ابتدا در ساختمانهای قدیمی بود و بتدریج ساختمان خوابگاه - تالار اجتماعات - کتابخانه - آشپزخانه و سرویس ساخته شد و در نظر است در آینده ساختمان آن تکمیل شود .

مدرسه ملی تابستانه ایران که تحت

### مدارس تابستانه از مفرعات نظم بدیع

مدارس تابستانه بفرموده حضرت ولی امرالله پایه و اساس دانشگاهها و دارالعلمهای آینده بهائی است .

هیكل اطهر علاقه فراوانی به تشکیل و تعمیسم مدارس تابستانه و شرکت جوانان در این مشروع مهم ابراز میفرمودند و در تواقیع متعدد فارسی و انگلیسی که خطاب به یاران شرق و غرب صادر فرموده اند احباب مخصوصا جوانان را به شرکت در مدارس تابستانه تشویق و تحریص نموده اند و آنرا از " مفرعات نظم بدیع " نامیده اند .

از جمله در لوح مبارک ۱۴ شهر النور ۱۰۳ مطابق ۱۸ جون ۱۹۴۶ خطاب به محفل ملی ایسران چنین میفرمایند (۲۳) :

" راجع بمدارس بهائی فرمودند انتخاب لجنه لازم و واجب و پس از وضع و تنظیم پروگرام باید به محافل روحانیه ابلاغ گردد و یاران را تشویق به تأسیس مدارس تابستانه نمایند . زیرا ایسن تأسیس بسیار مهم و نتایجش عظیم و از مفرعات نظم بدیع محسوب . باید بقدر امکان پس از کسب معلومات لازمه تطبیق با مدارس تابستانه یاران امریک نمایند و اقتدا و تأسی بانان نمایند زیرا در این امر سبقت جمسته اند و مبادی اداری امریه را در این خصوص کاملا تنفیذ و ترویج نموده و مینمایند ."

و در جای دیگر چنین میفرمایند (۲۴) :

" امر دیگر که در ترقی و توسعه نظم اداری - امرالله دارای اهمیت فراوان است پیشرفت قابل ملاحظه ای است که در مؤسسه مدارس تابستانه مخصوصا در ایالات متحده امریک حاصل گردیده این مؤسسه که در محیط بهائی و بظنور ایجاد تسهیلات در تکمیل و پرورش مبلغین و مطالعسه تاریخ و بحث در حقایق امریه و مذاکره در تعالیم

الهیة و تحقیق روابط این امر اعظم با سایر ادیان و هم چنین نسبت به کافه ملل و نحسل عالم تشکیل میگردد در تقویت روح محبت ووداد و تحکیم مبانی همکاری و وفاق بین دوستان و یاران رحمانی بی نهایت مؤثر میباشد ."

هدف و منظور از تأسیس مدارس تابستانه

منظور اصلی از تأسیس مدارس تابستانه بهائی تقویت روح اخوت و ایجاد همکاری در محیط امری و مجهز نمودن نفوس مخصوصا جوانان برای قیام به امر مهم تبلیغ است . به فرموده حضرت ولی امرالله که مؤسس حقیقی مدارس تابستانه میباشد هدف اصلی و اساسی جمیع مدارس تابستانه در شرق و غرب عالم ایجاد فرصتی است برای احبابی عزیز الهی که با مشارکت و همکاری عملی خود در فعالیت های گوناگون این مدارس با اصول و مبانی تشکیلات بهائی آشنا شوند و مروجین شایسته ای برای امرالله گردند " (۲۵)

شک نیست که منظور حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله از تشکیل و ترویج مدارس تابستانه این بوده است که احباب و مخصوصا جوانان بهائی فرصت مناسبی پیدا کنند که در باره اصول اساسی دیانت بهائی با تمعن و تفحص مطالعه کنند و آثار امری را تحت نظر اساتید و معلمین بهائی فراگیرند و به عمق و وسعت معلومات امری خود بیافزایند .

برنامه مدارس تابستانه

برنامه مدارس تابستانه از بدو تأسیس کامل نبوده است و با گذشت سالها و بدست آمدن تجربه هایی که از دوره های مختلف در جوامع شرق و غرب مخصوصا مدارس تابستانه امریکا که پیشقدم چنین مشروع مهمی بوده بدست آمده

و مذاقه قرارداد از جمله در موارد ذیل :

- ۱ - جنبه آموزش اصول و تعالیم بهائی و بحث و فحص در آثار مبارکه .
- ۲ - جنبه تعلیم علمی و علمی حیات بهائی به افراد جامعه مخصوصاً جوانان .
- ۳ - جنبه تجسم و تجسد تعالیم و حیات بهائی برای جلب افراد غیر بهائی .
- ۴ - جنبه ترویج روح تعاون و تعاضد و همکاری و اخوت و الفت بین نژادها و قبائل و ملل مختلفه و تحقق مقیاس کوچکی از وحدت عالم انسانی .

نکاتی چند از مدارس تابستانه غرب

نکات برجسته ای که غالب آن در مدارس تابستانه غرب مجری و معمول است و بسیاری از آن نیز در مدارس تابستانه شرق اجرا میشود میتوان چنین خلاصه نمود :

دعا و مناجات و تلاوت آیات در اسحار و ایجاد محیطی روحانی - زندگی شبانه روزی دسته جمعی و اشتراك مساعی برای ایجاد محیطی راحت و مرفه - شرکت در کلاسها و کفرانسها بمنظور فرا گرفتن معلومات امری - شرکت در جلسات بحث ( بانل ) و سمینارها بمنظور مطالعه و مذاقه در آثار و تعالیم بهائی - استفاده از تفریحات سالم مانند ورزشهای مختلفه و شنا و تقویت بنیه جسمانی به موازات تقویت بنیه روحانی - کسب لذت از زیباییهای طبیعت - تشکیل جلسات تحری حقیقت و تبلیغی - ترتیب و اجرای نمایش و موسیقی بطور دسته جمعی - آشنائی و دوستی و الفت با افراد بهائی و غیر بهائی از مالسک و نژادهای مختلف عالم .

.....

در ایام تابستان که غالب محصلین و جوانان بهائی تعطیلات خود را می گذرانند مدارس

برنامه مدارس تابستانه بهائی را بصورتی که تقریباً در حال حاضر در غالب مدارس تابستانه بهائی بطور متحد الشکل تدریس میشود توسعه و اکمال بخشیده است .

نظری به کلیات برنامه مدارس تابستانه ایران ما را بیشتر به مواد تدریسی مدارس تابستانه بهائی آشنا میسازد ( ۲۶ ) :

- ۱ - تقویت روح اخوت و ایجاد همکاری در محیط امری
- ۲ - آماده و مجهز نمودن افراد برای امر مهم تبلیغ
- ۳ - تدریس و مطالعه تاریخ و تعالیم مبارکه امرالله
- ۴ - مطالعه در باره ارتباط بین امر بهائی و سایر ادیان و نیز مطالعه ارتباط بین جامعه بهائی و سایر جوامع انسانی .
- ۵ - مطالعه و تدقیق در آثار و الواح الهی
- ۶ - مطالعه تاریخ سنین اولیه امر
- ۷ - مطالعه تاریخ و تعالیم ادیان مختلفه
- ۸ - تشکیل کفرانسهای برای بحث در تشرک تعصبات نژادی
- ۹ - آشنا ساختن شرکت کنندگان با نظم اداری بهائی
- ۱۰ - تفهیم تعلیم و تربیت اطفال و جوانان بهائی
- ۱۱ - مشق نطق و خطابه
- ۱۲ - نطق و خطابه در باره مقایسه ادیان
- ۱۳ - بحث و مطالعه در باره مسائل امریه ( ایجاد دسته های مختلف برای بحث در باره اخلاق و حیات بهائی )
- ۱۴ - ترتیب دادن جلسات دعا و مناجات ( مشرق الانکار )
- ۱۵ - تنظیم و اجرای نمایشنامه های امری و اخلاقی
- ۱۶ - پیک نیک و تهیه وسائل ورزش و تفریحات دسته جمعی .

.....

مدارس تابستانه بهائی و برنامه های آنها از جنبه های مختلف میتوان مهم دانست و مورد توجه

تجسم حیات بهائی و تکمیل اطلاعات خود درباره امر مبارک در همان مدرسه مراتب ایمان خود را اعلام میدارند . بطوری که در غرب مدرسه تابستانه نیست که با اقبال يك یا چند نفر بایان نیابد .

### آینده مدارس تابستانه

بدون تردید همانطور که حضرت مولی - الوری و حضرت ولی امرالله فرموده اند مدارس تابستانه بهائی پایه و اساس دانشگاهها و دارالفنون های بهائی در آینده خواهد بود . در عصری که از طرف هیکل اطهر بنام ( عصر تکوین) دور بهائی نامیده شده نقش مدارس تابستانه در تقویت قوای روحانی و آماده کردن احبای مخصوصا جوانان برای اداره دنیای آینده و تحقق بخشیدن به نوایای حضرت بها<sup>۱</sup> الله انکار ناپذیر است .

حضرت عبدالبها<sup>۲</sup> اظهار امیدواری فرمودند که در مدرسه تابستانه ( گرین اپلر ) روزی دانشگاه بهائی تأسیس شود و مسلما تأسیس خواهد شد . حضرت ولی امرالله میفرمایند " مدارس تابستانه پایه و اساس دانشگاههای آینده و محل تجسم حیات بهائی است " .

.....

در دنیای آینده ، دنیایی که بقوه اسم اعظمی از گیر و دار ماده برستی و گرداب انحطاط اخلاقی و سقوط ارزشهای روحانی و الهی رهائی خواهد یافت مسلما نقش مدارس تابستانه و اهمیت آن از نظر تربیت جوانان و اطفال یعنی مروجیسن تمدن جهانی حضرت بها<sup>۱</sup> الله و ایجاد محیطی روحانی و معنوی بسیار مهم و فراموش نشدنی است و ما هم اکنون آن منظره بدیع و دل انگیز را در - دورگاه خیال در پیش روی داریم و برای رسیدن بشریت بدان روز مجاهدت میکنیم .

تابستانه محیط آرام و بسیار مناسبی است که شرکت کنندگان دور از غوغای شهرها و گرفتاری های روزمره به دامان طبیعت پناه میبرند و با فراغ خاطر و راحتی خیال در محیطی دلپذیر و روحانی بدون دغدغه امور تحصیلی و مادی به فراگرفتن تعالیم امر و بحث و فحص درباره اصول و مبانی این آئین نازنین پردازند و در یک اجتماع بهائوسی شرکت جویند و با سایر برادران و خواهران روحانی خود اشتراك مساعی نمایند .

بطور خلاصه مدارس تابستانه يك جامعه نمونه بهائی است که در دوران کوتاه خود عموم احبای الهی از زن و مرد و پیر و جوان حیات و اخلاق بهائی را عملا تمرین نموده اصول آنرا به مرحله اجرا و عمل در می آورند .

.....

کسانی که در مدارس تابستانه غرب شرکت داشته اند این نکته را بخوبی میدانند که مدارس تابستانه محل تجسم حیات بهائی و رمز اتحاد و یگانگی اقوام و نژادها است . در مدارس تابستانه اروپا و آمریکا افراد متعددی از نژادها و ممالک و ملیت ها و السنه مختلفه در ظل کلمه واحده جمع میشوند و در نهایت صفا و صمیمیت و روحانیت با یکدیگر بسر میبرند و بفرا گرفتن اصول امریه می پردازند .

همچنین مسائل امریه را بدقت موشکافی مینمایند و از ناطق یا معلم تا روشن شدن مطلب سوالات متعدد نموده موضوع را مورد تجرید و تحلیل قرار داده حلای مینمایند .

### مدرسه تابستانه ، وسیله ابلاغ کلمه الله

در غرب مدارس تابستانه بهائی بعنوان یکی از وسائل مؤثر تبلیغ و هدایت نفوس بشمار میرود بدین معنی که بسیاری از احبای دوستان غیر بهائی خود را به این مدارس دعوت میکنند و آنان پس از زندگی در این مدارس و مشاهده



تربیت الهی (بقیه از صفحه ۱۲۵)

ولی به یقین معلوم است که آن قطره با همه اثرات مسموم خود جذب گردیده و چون این قطرات مسموم تکرار گردد طفل را مبتلا به کمالت روحی خواهد ساخت که علائم اولیه آن بصورت عدم علاقه به شرکت در کلاسهای امری و بی میلی و حتی روگردانی از ملاقات احبای ظاهر خواهد شد.

وقتی که مادر خانه خویش می نشینیم و از احبای و اعضای کمیسیونها و محافل محلی و حتی منشی و اعضای محافل ملی غیبت میکنیم از اطفال خود چه انتظار داریم؟ اطفال به این مومسومات الهیه با نظر احترام مینگردند و ما اساس این مومسومات را در قلوب و افکار آنان که پراز محبت و در حال رشد میباشد بکلی ویران میسازیم در نتیجه وقتی بزرگ میشوند در خانه احبای احساس امنیت و راحتی نمیکند و اطمینان آنها از کمیسیونها و محافل محلیه و ملیه سلب میگردد لذا وقتی از آنها میخواهیم که در کلاسهای امری و مدارس تابستانه شرکت نمایند مواجه با مخالفت آنان میگرددیم مثل این است که ما اطفال خویش را فلج سازیم و از آنها انتظار داشته باشیم که بدوید و یا آنها را گرسنه نگاه داریم و بخواهیم عملیات قهرمانانه انجام دهند.

۱- Miss Sarah Farmer

۲- Green Acre

۳- Maine

۴- کتاب قرن بدیع جلد ۴

۵- Eliot

۶- Piscataqua

۷- River of light

۸- Baha'i Hall

۹- Open Forum

۱۰- کتاب قرن بدیع جلد اول

۱۱- بدیع الانار جلد اول صفحه ۱۷۳

۱۲- کتاب قرن بدیع جلد سوم

۱۳- بدایع الانار جلد اول صفحه ۱۹۷

۱۴- Sara Farmer Hall

۱۵- Geyserville

۱۶- Sonoma Vally

۱۷- Big Tree

۱۸- Lauhelen Ranch

۱۹- Davison

۲۰- Pine Valley

۲۱- Colorado Springs

۲۲- کتاب قرن بدیع جلد ۴

۲۳- مجموعه منتخبات توقیعات مبارکه ص ۳۷۹

۲۴- کتاب قرن بدیع جلد ۴ صفحه ۵۸

۲۵- اساس نامه مدارس ملی تابستانه ایران

۲۶- " " " " " " "

### اهم منابع

۱- مجموعه منتخبات توقیعات مبارکه

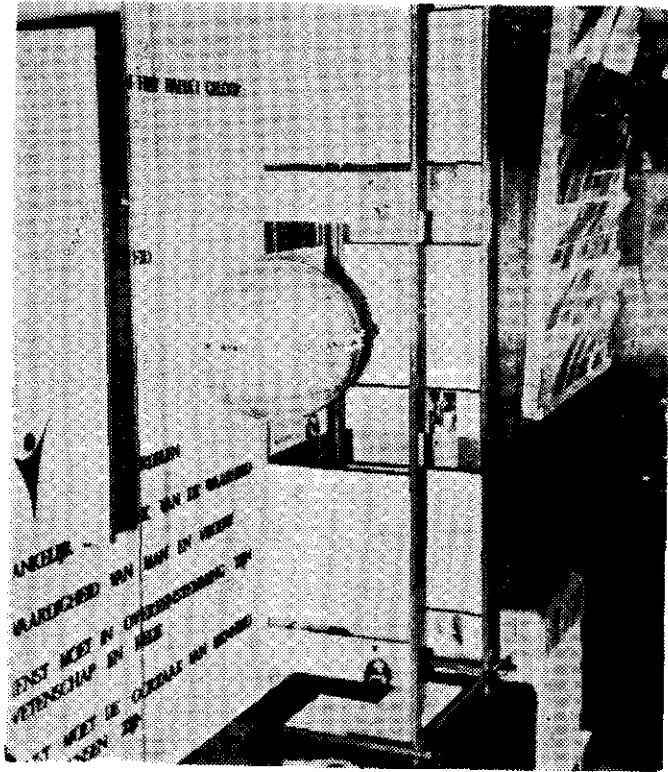
۲- کتاب قرن بدیع God Passes By

۳- بدایع الانار جلد اول

۴- اساسنامه مدارس تابستانه ایران

۵- مجلات World Order و Baha'i

# اخبار محمدر



اعلان عمومی امرالله در هلند که با یک کفرانوس عمومی آغاز گردید با اولین نمایشگاه کتابی که در لاهه تشکیل یافت تأثیر بیشتری بخشید و موجب گردید امرالله از طریق تلو یزیون نیز برای اولین بار انتشار یابد. نمایشگاه دیگری در سالن موزه دلفت ترتیب داده شد که هزاران نفر از آن دیدن کردند.

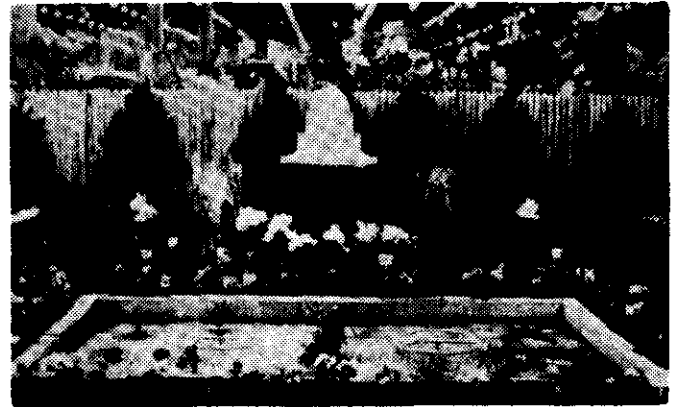
عده ای از احمای سانفرانسیسکو در مقابل در ورودی حظیره القدس آن شهر به اتفاق ایادی امرالله جناب ابوالقاسم فیضی پس از شرکت ندریکی از کفرانسهائی که توسط ایشان ایراد گردیده است.



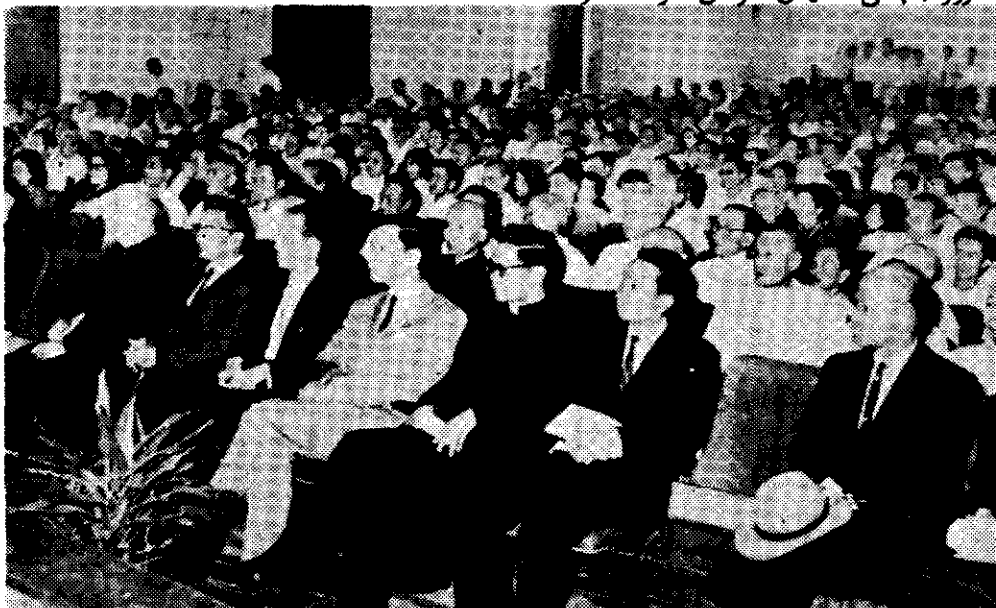


بمناسبت یکصد و پنجاهمین سال میلاد حضرت بهاء الله  
تعداد ۱۰ جلد کتاب امری از طرف دوشیزه شهین  
هرمزی رئیس کلوب دانشجویان بهائی در دانشگاه  
آریزونا به کتابخانه چارلز تریبل هایدن اهدا گردید .

این باغچه که از طرف بهائیان در شیکاگو ترتیب یافته  
در نمایشگاه بین المللی گل و باغچه برنده جاژه شده  
است. باغچه مزبور بمناسبت یکصد و پنجاهمین سال میلاد  
حضرت بهاء الله و صدمین سال ابلاغ عمومی آنحضرت  
بسلاطین و هفتاد و پنجمین سال ابلاغ امرالله در امریکا  
ساخته شده و مورد توجه واقع گردیده و ۳۳۰۰۰۰  
نفر از آن دیدن کرده اند .



در ویتنام امر بهائی بسرعت پیش میرود و بطور متوسط هرماه ۴۰۰ نفر به امرالله اقبال  
مینمایند . این عکس گوشه ای از بزرگترین سالن سایگون را نشان میدهد که متجاوز از ۱۰۰۰  
نفر از احباب و نفوس غیر بهائی از جمله عده ای از رؤسای مذهبی و رجال برجسته کشوری به  
مناسبت روز جهانی ادیان در آن شرکت نموده اند .



# تاریخ عظیم

غرض از روانی

فرائر ز آسمانست آسمانها  
نه اول دارد این عالم نه آخر  
به وصف قطره \* زمین بحر اعظم  
تعالی الله که از تأثیر صنعش  
خدا خود بندگان را خوانده اغنام  
شبانسی گشته لاؤم هر زمانی  
مقرر بهر هر مدت کتابیست  
زمانها جمله باهم نیست یکسان  
رسومی وضع گردد هر زمانی  
اگر پیری به رسم عهد دیرین  
هر آنکس شد به سیر قهقرائسی  
اگر بتوان به بطن مام برگشت  
وگرنه فکر سیر ارتجاعسی  
جهان را رسم و آئین جدیدی است  
همه عشاق آن پاکیزه دلها

ورای که کشان بس که کشانها  
خدا را هست عالمها جهانها  
نگجد گر سراییم داستانها  
عیانها گشته ایجاد از نهانها  
فرستاده به حفظ او شبانها  
با وضاع زمانها و مکانها  
که تا تجدید گردد امتحانها  
بسی باشد تفاوت در زمانها  
که باید پیروی کردن از آنها  
زید گیرند عیب از او جوانها  
چه سودی میبرد غیر از زیانها  
توان سوی یقین شد زین گمانها  
نگجد در ضمیر تکه دانها  
که جسم مردگان را داده جانها  
همه مشتاق آن روشن روانها

نه مردم را نجس خوانند و ناپاک  
بحکم عاشروا این حزب دارند  
در آئین نوین راه طلب بسوی  
شب تیره ز مهرش روز روشن  
به باغ دانشش بس لاله و گل  
شده گلزار دین سر سبز و رنگین  
جهان را یک وطن کرده سراسر  
جهادش مهر و الفت با خلائق  
مبدل کرده دینها را به یک دین  
به داناتی رساند جاهلان را  
سلاح جنگ را آلات صنعت  
چنان بر جنگ صلح از اوست غالب  
تعصیبا بدی ها دشمنی ها  
بشیریک خاندان و یک تبار است  
بجز در ظل این آئین اعظم

نه لعن و طعنشان ورد زبانهها  
در ادیان الفتی با پیروانها  
که حق شد رهنمون بر کاروانها  
بهار خرم از فیضش خزانها  
معطر زان چمنها ضیمرانها  
شکفته نسترها ارغوانها  
بگیتی یک لسان سازد لسانها  
مرادش اتحاد دودمانها  
وزو یک آسمان این آسمانها  
توانائی دهد بر ناتوانها  
بگاو آهن بدل سازد سنانها  
کزان بر جانی ماند نشانها  
نیاید بر لسانها و بیانها  
چو مهرش جاگد در خاندانها  
جهان هرگز نخواهد شد منظم



# یادداشت‌های نظام الممالک

تصحیح و تنظیم  
نصرت‌الله محمدی

میرزا فضل الله نظام الممالک متولد سال ۱۲۷۹ هجری قمری  
پسر میرزا محمد حسن برادر بدری حضرت بهاء الله است .  
میرزا محمد حسن از موء ضین عهد نقطه اولی و جمال ابهسی و  
بسیار مورد عنایت حضرت بهاء الله بوده و در تآکر زراعت  
میکرده و در وقایع سال ۱۲۶۸ هجری قمری که به شهادت  
گروهی از دوستان و غارت قریه تآکر انجامید تحمل صدمات  
فراوان نموده اند . صعودشان چنانکه نظام الممالک نوشته است  
در سال ۱۲۸۱ هجری قمری واقع شد و مدفن ایشان در حضرت  
عبد العظیم در راهرو بین الحرمین واقع است . میرزا محمد حسن  
هشت فرزند داشت که معروفترین آنها میرزا فضل الله و شهریانو  
خانم هستند . شهریانو از دوران کودکی نامزد حضرت عبدالبهاء  
بود و چون جمال قدم جل جلاله به بغداد تشریف بردند میرزا  
محمد حسن " بساحت اقدس شتافت و گریه گان رجای تحکیم  
و توثیق این ارتباط نمود " ولی حضرت عبدالبهاء قبول نمیفرمودند  
عاقبت بامر قطعی حضرت بهاء الله قبول نمودند ولیکن شاه  
سلطان خانم خواهر بدری جمال مبارک که به خانم بسزرگ  
یا حاجیه عمه خانم معروف است و به جمال مبارک موء من نبود  
و بسیار مخالفت میورزید کوشید تا شهره نوراً به میرزا علی خان  
پسر صدر اعظم داد شهریانو از این اقتران ناخشنود بود و پس  
از اندکی به مرض سل مبتلا شد و صعود نمود .  
جناب نظام الممالک نیز در تنظیم شجره نامه مبارک و تعمیر  
و ساختمان بیت تآکر زحمات فراوانی کشیده و سرانجام در سال  
۱۳۲۴ شمسی صعود نمود . مرقد شریفش در قریه تآکر واقع  
است .

حضرت بهاء الله در خطایی مختصر بوی میفرمایند :

ت ا ف ض ابن اخ

ای پسر برادر من حمد و شکر نما که غصن این شجره طیبه  
محسوس تحصیل کمال کن تا عزیز دو جهان شوی .  
الواح متعددی از قلم حضرت عبدالبهاء به افتخار نظام —  
الممالک نازل شده است (۱) از جمله در حاشیه لوح مقدس  
مورخ ۱۹۱۹ میلادی بخط مبارک در حق او چنین مرقوم

میفرمایند :

" ای حضرت عموزاده یادگار عزیز آن روح مجسم و نور مصوری حضرت عم بزرگوار بعبدالبهائم  
بی نهایت مهربان بود در ایام طفولیت که در آن قریه بودم بسیار نوازش مینمود و آمیزش میفرمود هنسوز  
حلاوت محبت او در مذاق است لهذا مرا آرزو چنان که شمع او روشن گردد و آن قریه گلشن شود و شما  
باغبان آن گلستان شوید و آهنگ خوش از مرغان آن چمن باین انجمن رسد و عليك البهائم . عبدالبهائم عباس (م)  
حضرت ولی امرالله پس از صعود نظام الممالک ضمن تلگرام مبارک مورخ شانزده سپتامبر ۱۹۴۵ فرمودند :

"... از صعود نظام الممالک تأثر عمیق حاصل به دوستان و منتسبین ادعیه با حرارت مرا اطمینان  
دهید . " شوقی ربانی  
نویسنده ضمن جستجو به دفتري از یادداشتهاي نظام الممالک برخورد که چون حاوی مطالب جالبی در  
خصوص تاریخ امر مبارک است قسمتهائی از آن دفتر را ذیلا نقل مینماید (۳) :

## آغاز دفتر

بروایی لایبی

بعد الحمد و الصلوة و التحیه چون این عبد ذلیل فضل الله ابن محمد حسن را در سته ماهیه  
اوائل یکهزار و سیصد و سی و یک هجری قمری بعنایت حضرت حق جل ذکرة... بعد از زیارت بقعه مشوره  
و مقام اعلی... در یرت سعید... آستان بوسی حضرت عبدالبهائم مولى الوری روحی لثراب مقدمه الفداء  
مرزوق افتاد پس از چند یوم هیکل مبارک برای تغییر آب و هوا تشریف فرمای اسمعیلیه شده بلافاصله ایمن  
فانی و... احضار به محضر قدس شدید از مراحم و الطاف بلانهایه فرق مباهات بفرقدان سوده از کسرت  
عنایات حضرت مولى مسافرین و ملا زمان و زائرین و خود فانی را عقیده بر این بود که اقل شش ماه در آستان  
مبارک مقیم خواهم بود بدین خوش دل بودم که لیل نوزدهم آستان بوسی بود در اسمعیلیه مطابق به جشن  
جمهوریت فرانسه پنج ساعت از شب گذشته در بستر خواب احضار به محضر قدس شدم بلا مقدمه فرمودند  
که فردا باید از سبیل اسکندریه به ایران بروی استدعا نمودم که اجازه مرحمت شود از سبیل ارض مقصود  
بروم فرمودند که عمری باشد باز تشرف به زیارت ممکن حالیه رفتن به ایران واجب است باید معجلا بوطن  
بروی دیگر قدرت چون و چرا نبود اطاعت را فرض دانستم در آن دل شب قرب دو ساعت منفردا در محضر  
مبارک بوده بنطق های مبارک روح جدیدی یافتم بعد از بذل عنایات و مواعظ و نصایح فرمودند بخاطر  
دارم زهرا والده ات دختر یا هوشی بود وقایع اتفاقیه تا کررا از مادرت سوء ال نما و بنویس که برای نیست  
در تاریخ این امر لازم است اول طلوع صبح مجددا احضار به محضر قدس شده متدرجا مسافرین و زائرین  
تشریف حاصل نمودند تا هنگام مرخصی تعام فرمایشات و خطابات مبارک به این فانی بود... بعد از حصول

..... یادداشتها .....  
.....

مرخصی به حاضرین امر فرمودند که همگی تا دم ماشین فانی را مشایعت نمایند از تخت بزرگ آمده فرمودند بیا تورا در آغوش بگیریم بعد از بذل عنایات مرخصی حاصل شد به حاضرین امر فرمودند تمام مشایعت نمائید فقط خسرو بماند آستان ادب بوسیده مرخص گردید . . . . مشغول به گرفتن بلیت بودیم که هیکل مبارک تشریف فرما شده فرمودند میرزا فضل الله آدمم مجددا تورا در آغوش بگیریم متفکر و متحیر بل متوحش بسودم که آیا چه حادثه رخ نمود که با این همه عنایات غفلتا بلا مقدمه در نیمه شب مرخص فرمودند که معجلا باید به ایران بروی غرض در عرض راه احببا جلویگیری نموده يك ماه در اسلا ببول و تفلیس و بادکوبه و بندر جزی بخواهش و اصرار احببا درنگ نموده چنانچه بلا درنگ بی آدمم باید دوم رمضان بتا کر رسیدن باشم بواسطه توقف در راه یوم چهارم شهر شوال وارد تا کر شده بعد از ورود معلوم شد که والدہ بتاریخ بیست و سوم رمضان به رحمت حق واصل گردیده علت تأکید و امر مبارک مشهود افتاد ولی افسوس که احببا سبب قصور فانی شده اند در آخر عمر آن پیرزن را که اولادش منحصر به این عبد بود ندیدم و مقصود بعمل نیامد در هر حال شاکر و حامدم و از عصیان خود رجای غفران دارم علیهذا از واقعات گذشته آنچه را که از مرحومه والدہ و مرحومه سکینه جدہ خود و مرحوم عموزمان و مرحوم عموعلی دائی بکرات عدیده شنیده ام و بخاطر دارم و آنچه را در مدت عمر خود مشاهده نموده ام فهرست می نمایم تا انشاء الله بظفر مورخین رسیده اگر صلاح دانند ثبت فرمایند .

در وقعه قلعه مبارکه طبرسی که جمال قدم جل ثناءه عزیمت قلعه فرموده اند در آمل لاریجانی مانعت گسرد و آن حرکت را مرتکب شد که قلم از تحریرش عاجز است . ازل رابه حوض انداخته خواستند چوب بزنند فرمودند تعرض بوی بیجا هر خیالی دارید من حاضر من جوهر وجود و اصل مقصود را ظالمین خوابانیده چوب زدند ملا زین العابدین عمو خود را بروی پای مبارک انداخته صدمه زیادی بدو وارد شد . . . بعد از استخلاص و مراجعت از آمل در قریه دارکلا در حیاط جدی در اطایقی که مرحوم ملاعلی بابا بزرگ سنگی داشت چند یویی بر عرش عزت بر قرار شدند که آن بنا را حاجی اسمعیل خراب نمود مجددا در همان محل بنائی نموده که حالیه بریاست علمای آن عصر که در سعادت آباد بودند اشخاص مفصله ملاعباس پیش نماز حاجی میرزا هادی آقا میرزا علی آقا حسن میرزا ابوالقاسم داماد ملا محمد رضا رسکی ملا اسمعیل کجوری ملا باقر کاهی حاجی ملاولی کاهی حاجی شیخ ملک تترستاقی حاجی حسن لتیکوهی تشریف حاصل نمودند دوشبانه روز مشغول به سو ال و جواب بودند همگی مات و مبہوت گردیدند جز آقا حسن و شیخ ملک که درجه علمشان از سایرین کمتر بود و سایرین مو من و موقن شده اند به ملا محمد تنکابنی که مجتهد آن زمان بود تکلیف شرفیاب شدن نمودند قبول نمود صبح متعذر شد که استخاره نمودم بد آمد عموعلی خالو مستخدم مجلس مذکور بود روایت مینمود هر زمان که علماء قیل و قال می نمودند دست مبارک را حرکت داده میفرمودند " آرام " نطق ها بسته میشد .

... در آن اوقات ( ۱۲۶۸ ) ۳۸ ( مقصود ازل است ) در تا کر بود به عزم طهران حرکت نمود شب در قریه ( جل ) اسب سواری خود را بدست همشیره طهمااسب قلی بیک چلیچ سپرده آن زن مخفیا آن اسب را مواظبت مینمود تا هنگام چپاول تا کر اسب را از او مأمورین دولتی گرفته بودند غرض ۳۸ پیاده از ( جل ) مراجعت مینماید يك شب در قریه ( ولشد ) منزل عمه مخفی بوده شب دیگر به تا کر آمده سه سبب مخفیا در تا کر توقف کرده شب چهارم با لباس درویشی به اتفاق ملا زین العابدین عمو و کربلانی رمضان پیاده به سمت مشهد حرکت نمودند . . . از آنجا به رشت و از رشت به کرمانشاهان و بغداد رفتند



طولی نکشید که میرزا آقا خان صدر اعظم بحکم شاه ابوطالب خان برادرزاده خود و حسینقلی خان قجرا را مأمور بتا کر نمود جمال مبارک جل ذکره که آن اوقات در افجه بر عرش عزت برقرار بودند مأمورین دولتی یوسف مصر حقیقت را گرفته به سجن بردند چند نفر از احباب در خانه حاجی میرزا عبدالمحمد ترستاقی پنهان بودند خدمه حاجی به دولتیان خبر دادند شب ریخته آن مظلومین را دستگیر نمودند من جمله میرزا علی محمد بسرعه مرحوم میرزا ابوالقاسم بود که آن مظلوم بعد از گرفتاری معلوم نشد که چه قسم تلف شد و جسام شهادت را نوشید ابوطالب خان که مأمور به تا کر بود بعد از ورود به بلده همشیره خود را که حرم ابوی بود برسم دعوت برده که در تا کر نباشد . . . غفلتا در فصل میزان روزی مقارن ظهر با جمع کبیری از سواره و پیاده بتا کر ریخته ابوطالب خان به اول محلی که رسید کلاه را از سر برداشت سه مرتبه فریاد زد یغما یغما جز مرحوم ابوی اهالی ذکورا و اناثا صغیرا و کبیرا فراری گردیده در جبل ها پنهان شدند . . . ابوطالب خان و رؤسا در بیت مبارک پیاده شده منزل نمودند سایرین جز طهماسب قلی خان کجوری و چند نفر خاصان او سواره و پیاده مشغول بجپاول شده اند از هیچ چیز دریغ نمودند حتی چفت درب اوطاقها را کده اند طایفه ( یالورودی ) خیلی شری نمودند عصری که محقق شده در محل سوزنی نمانده با کمال بسی شرمی به حسینیه ریخته اثاثیه عزاداری زره و کلاه خود و بعضی ملزومات را که متعلق به تکیه تا کر بود به جپاول برده اند . . . گر مسلمانی همین است که حافظ دارد - وای اگر از پس امروز بود فردائی " شب را ابو طالب خان حکم بکوه مالی نمود در سه روز توقف تمام احشام و اغنام را غارت نمودند مگر گوسفندان جمال قدم جل شأنه را که رحیم چویان به اطراف برده بود و بعد از امنیت خود رحیم بنای خیانت را گذاشته از بغداد لوحی خطاب به ابوی صادر که متعرض حال رحیم نشوید و بقیه گوسفند هر قدر میشود بعمو محمد بخشیده ام یوم دوم ورود ابوطالب خان به منزل ابوی آمده در مقام مواخذه برآمد که شما چرا بدیدن من نیامده اید و مقصوری باید تورا به طهران بفرستم ابوی گفت خودم میروم تا تقصیرم معلوم شود ولی جرم و تقصیر اهالی چه بوده که تمام اموالشان را غارت نمودی و خانه هایشان را خراب کردی . . . از قراری که مکرر شنیده ام هیچده نفر مرد بعدد حروف حی به اسیری برده اند . . . ملا علی بابای بزرگ و ملاعلی بابای کوچک و محمد تقی بیگ و ملافتح و یکی دو نفر دیگر در سجن داعی حق را لبیک گفته اند . دو چشم ملاعلی بابای بزرگ را جمال مبارک جل ثنائیه بدست مبارک بسته و زیارت نامه مخصوص عنایت شده و جسد این اشخاص در همان سجن مدفون شد و آن مکان حالیه تخت و نقطه مرکزی تکیه دولتی است . . . فرمان تیول تا کر که مرحوم فتح علی شاه به مرحوم مغفور میرزا . . . مرحمت نمود و از سلاطین بعد هم بر طبق آن فرامین صادر شده بود نوشته جات در جعبه مرحوم والد بود بدست میرزا علی خان اقتاد بطمع تیول تا کر قیام کرد بتوسط حاجی اسمعیل چند سالی رعایا را وسوسه نمودند تا در سنه ۱۲۹۲ هجری که حاجی میرزا رضاقلی جنازه مرحوم میرزا تقی برادرش را به نجف اشرف برده بود و هشت ماه مسافرتشان بطول انجامید و این فانی هم سنی نداشت میرزا علی خان خود را بی طرف دیده وقت را غنیمت شمرده رعایسا را به دستگیری حاجی اسمعیل مظلمانه به طهران بردند و ستر دستوری برعایا دادند ولی رعایا در موقع به آن دستور عمل نمودند فقط تنظم ایشان این بود که بواسطه این اسم همسایه ها به ما تعدی می نمایند دیوانیان سوءال نمودند از این خانواده چه نا حسابی دارید عرض نمودند علاوه بر مهربانی مالیات هم از ما نگرفته و نمی خواهند ( در اینجا نظام الممالک مطالبی می نویسد که خلاصه اش این است که بعد از جناب وزیر تا کر تیول میرزا رضاقلی بوده سپس دیگران دخالت کرده اند سرانجام به نظام الممالک مأموریت جمع

مالیات داده شده است بعدها او نیز معزول شده و مدتی در زندان بسر میبرد ( است )  
 بعد از تغییر تیول تا کر اقداماتی در محو نمودن اسم این فامیل نمودند من جمله حسینیہ \* تا کر که از بناهای  
 مرحوم مغفور جنت مکان میرزا بود کتیبه ها در تاریخ و اسم بانی و خطوط این خانواده بود محو نمودند  
 متدرجا حسینیہ خراب شد در سنه ۱۳۲۴ تیری که در روی آن بخط مبارک مرحوم میرزا نوشته بود " بردرگه  
 دوست چون رسی گولبیک - کاناچه نه سلام راه دارد نه علیک . این وادی عشق است ننگه دار قدم -  
 این ارض مقدس است فاخلع نعلیک " فی اسفندار ماه قدیم مطابق سنه یکهزار و دووست و هیجده من  
 الهجره النبوی حرره ابن رضا قلی عباس تساکری غفرله " بنظر آمد که روی خط را گرد و غبار مستحضر  
 نموده بود بعد از زیارت خط مبارک بر خود فرض شمردم که آن بنا را حتی المقدور احیا" نمایم بتوفیق  
 حضرت حق جل ذکره اقدام نمود در سنه ۱۳۲۷ ( هجری قمری ) این بنای جدید خاتمه پذیرفته و خط  
 مبارک در آنجا نصب شد .

... پس از هفت ماه به تا کر آمدیم در زمستان آن سال که سنه ۱۲۸۱ و بنده تقریبا دو ساله بسودم  
 مرحوم والد به طهران رفته به ملکوت ابهی صعود نمودند که در بین الحرمین حضرت عبدالعظیم مدفونند در  
 سنه ۸۳ یا ۸۴ همشیره \* ابی شهربانو خانم که زنی مو\* منه و صالحه و بتمام صفات مستحسنة معروف و نامزد  
 حضرت مولی الوری روحی لرمسه الاطهر الفداء بود احضار به محضر اقدس گردید که مرقومه \* در این موضوع  
 بخط حضرت آقای کلیم علیه بها\* الله خطاب به مرحوم زین العابدین عمو سوادش در این کتابچه ضبط  
 است ملاحظه فرمایند همشیره اطاعتا لامره بفوریت به اتفاق عموها با سختی زمستان از راه لاریجان حرکت  
 مینماید بورود طهران حاجیه خانم بزرگ عمه و حاجی میرزا یحیی خان دائی همشیره از واقعه مستحضر شده  
 بطور اجبار آن فدائی سبیل عشق را مانع عنفا و کرها به جهت میرزا علی خان عقد و از مقصود محرومش میسازند  
 حاجی میرزا رضا قلی عمو هم چون در همان سنه بدین اسم یکماه متجاوز در سجن و بعد تبعید به قم شیده  
 بود بتازگی بطهران آمده بود مجبور به تصدیق بود آن مرحومه از آن جائی که تعلق خاطری به این فانی  
 داشت احضار بطهران فرمود با اجازه مرحوم حاجی میرزا رضا قلی عمو محمود دائی و زینب خاله که مو\* من  
 و مو\* منه بودند بطهرانم بردند یکی دو ماه میگذرد روزی در تالار خدمت همشیره نشسته بودم نوازش میفرمود  
 میرزا علی خان به اتفاق عمو خود میرزا فضل الله وزیر نظام وارد حیاط گردیده به مشی پردا ختنند همشیره  
 نگاه حسرت آمیزی بدیشان نموده با حال ملال انگیز بفتانی خطاب نمود داداش چون دعای طفل صغیر مستجاب  
 است من دعا میکنم تو آمین بگو بعد دستها را بسوی آسمان بلند نموده گفت لها تورابه مقربین درگاهت  
 قسم میدهم مرگ شهربانورا بزودی برسان که این ننگ از سرم برداشته شود ... پس از دو ماه بدار بقسا  
 شتافت ... پس از فوت همشیره بخانه \* حاجی میرزا رضا قلی عمو رفته تا باز شدن راه لار در آنجا بسود  
 تابستان بولایت نزد والده ام آوردند ...

( ۱ ) برای زیارت قسمتی از این الواح مبارکه و شرح حال منسوبین جمال مبارک به کتاب اقلیم نور تألیف جناب  
 ملک خسروی مراجعه فرمائید .

( ۲ ) این لوح مبارک تا آنجا که بنظر میرسد ضمن هیچ یک از مطبوعات امری انتشار نیافته است .

۳ - این دفتر را دوست عزیز آقای حمید اورنگی نوه \* جناب نظام الممالک در اختیار نویسنده گذاردند .



# عکسهای تشکیلات جوانان

لجنه جوانان بهائی کرمانشاه  
سنه ۱۲۴ بدیع

جوانان بهائی بهنمیر





نوزدهمین انجمن شور روحانی محلی جوانان بهائی خراسان - ۱۲۵ بدیع



انجمن شور روحانی جوانان بهائی طهران - سنه ۱۲۴ بدیع

# جناب سمندری در امریکا

ترجمه و اقتباس از مجله جمهوری

پیام دیانت بهائی - عدالت و صلح  
دیانت بهائی در صدمین سال تأسیس - آینده ای درخشان  
ایادی امرالله صحبت میکند - بهائی کهنسال از مو\* سن دیانت سخن میگوید  
وحدت الهی - امر بهائی - دیانت آینده  
دیانت بهائی در مراحل اولیه  
دیانت یکصد ساله بهائی امیدوار است بشریت را بسوی صلح رهبری کند  
یک ایرانی متشخص تعالیم دیانت یکصدساله ای را شرح میدهد  
یکی از ایادی دیانت بهائی خاطرات ایام بهاء\* الله را بیان میکند

.....

نمودند . این ایادی ممتاز امر الهی که دیدگانش به زیارت جمال جانان منور گشته چهار ماه متوالی در این سرزمین وسیع از نقطه ای به نقطه دیگر و از کرانه ای به کرانه دیگر دائماً در حرکت بودند و نوحات قدسی الهی را در فضای آن اقلیم منتشر مینمودند و یار و اغیار را از دیدار خود غرق در بهجت و سرور میکردند . از محافل روحانی کلیه نقاطی که در مسیر ایشان بود قبلاً تقاضا شده بود که برای حفظ سلامت جناب سمندری منتهای مراقبت را بعمل آورند و ساعاتی را برای استراحت و فراغت ایشان در نظر گیرند و سعی نمایند که یاران اوقات

بطوری که خوانندگان عزیز اطلاع دارند پس از کنفرانسهای بین القارات سال گذشته که در شش نقطه از کره ارض متعقد گردید حضرات ایادی امرالله که بنمایندگی از طرفی ساحت رفیع دیوان عدل اعظم الهی در این کنفرانسها شرکت نمودند هر یک راه قاره ای در پییش گرفتند و برای اعلان عمومی امرالله مسافرتهای متعددی را آغاز کردند . ایادی عزیز امرالله جناب طراز الله سمندری نیز در جمعیت فرزند برومندشان جناب دکتر مهدی سمندری عضو هیئت معاونت ایادی در افریقا بسوی قاره امریکای شمالی شتافتند و سفری تاریخی و پرثمر باین صفحات

این مقاله قبل از مضمود جناب سمندری به ملکوتی بهی تنظیم شده است

این فرصت گرانبها و دیدار نفسی که نور الهی را با چشمان خود دیده درد و بیماری خویش را فراموش کرده به زیارت این وجود منقطع نبود و سه ساله شتافتند . سعی همگی در آن بود که هوا و سرمای شدید و بیماری آنفلوآنزا خللی در سلامت جناب سمندری وارد نسازد و هیچکس نمیتوانست بساور کند که ایشان با جثه ضعیف و جسم ناتوان خود هنگام ورود بتوانند با قدرت و قوتی عجیب سه ساعت متوالی بر پای خود بایستند و بدون اظهار خستگی بیاناتی مفصل ایراد نمایند . ایشان فقط در لحظاتی که جناب دکتر سمندری بترجمه میپرداختند سخنان خود را موقتا قطع مینمودند .

طبق برنامه ای که از طرف محفل روحانی ملی آمریکا تنظیم شده بود جناب سمندری بشهرهای بزرگ آمریکا عزیمت نمودند و در هر نقطه خود را محصور در میان نمایندگان مطبوعات می یافتند و از طرف ارباب جرائد با ایشان مصاحبه هائی بعمل میآمد . در شیکاگو پس از آنکه مصاحبه قابل توجه Dave Meade سردبیر مذهبی روزنامه دیلی نیوز شیکاگو تحت عنوان " پیام دیانت بهائی - صلح و عدالت " در آن جریده منتشر شد دامنه این انتشارات بسایر نقاط و ایالات آمریکا کشیده شد و نتایجی سودمند و غیر قابل تصور از آن حاصل گردید . علاوه بر اعلانات و اخباری که در این مورد در روزنامه ها - رادیوها و تلویزیون ها انتشار یافت و طی آن همه ای از شرح حال ایادی امرالله جناب سمندری با عکسی از ایشان باتفاق فرزند - نوه و نتیجه ، ایشان بنام " چهار نسل " بخش گردید شرح مبسوطی نیز بوسیله " جرج کورنل " George Cornell سردبیر مذهبی خبرگزاری آسوشیتد پرس انتشار یافت . مشار الیه با اینکه خود بیمار بود معذک نتوانست از ملاقات با جناب سمندری صرفنظر نماید و مدت دو ساعت با ایشان مصاحبه نمود و شرح این مصاحبه بعدا



ایشان را زیاد بخود اختصاص ندهند و بگذارند این نفس نفیس تا آنجا که ممکن است به تبلیغ و اشاعه امرالله بپردازند اما نمیدانستند که جناب سمندری " استراحت " را لفظی ناپسند میدانند .

هنگام ورود جناب سمندری به شیکاگو وضع هوا و شرایط جوی در بسیاری از نقاط آمریکا کاملاً نا مساعد و برف و باران و سرما و یخبندان همه جا را فرا گرفته بود و از همه بدتر بیماری آنفلوآنزا در اغلب ایالات آمریکا شیوع داشت و مردم را اکثراً در بستر انداخته بود . معذک یاران الهی از ایالات دور دست حتی بعضی پس از طی متجاوز از ۷۰۰ مایل راه برای استماع بیانات نیرو بخش ایادی امرالله خود را بایشان رسانیدند . چه بسا از یاران که برای استفاده از



نمود . معذلك مشار اليه باين صاحبہ راضی نشد  
و به طيب مذکور متوسل گشت و چندین بار از او -  
استدعا نمود که باو اجازه ملاقات بدهد تا اینکه  
موفق شد جناب سفندری را در کنار بستر ایشان  
ملاقات نماید . در نتیجه این صاحبہ موثرترین  
مقاله خود را در روزنامه تایمز لوس آنجلس انشا  
کرد و چنین نوشت .

" نزدیک ترین فرد به عصر موثر سس دیانت بهائی  
که ایشان را با چشمان خود زیارت کرده و در قید  
حیات است اکنون در حالی که خود را در میان  
البسه پشمین پوشانیده است بستری میباشد . . .  
ولی قیافه ای جوان و بشاش دارد و کلمات را واضح  
و سریع ادا میکند . " اگر در دیانت جهانی  
بهائی کسی با اسم " مقدس " خوانده میشد بدون  
شک ایشان یکی از این " مقدسین " می بودند .  
هنگامی که این پیر مرد روحانی اعتقاد خود را دایر  
بر اینکه مسیح یا پدر آسمانی را در نفس بها \* الله  
مشاهده نموده است اظهار میداشت در سیمسای  
او نورانیتی که مخصوص انبیا \* است دیده میشد .  
نویسنده در صدر مقاله خود جناب سفندری را -  
چنین معرفی نموده بود :

در بیش از ۴۰۰۰ روزنامه مختلف در سراسر  
امریکا و کشورهای مجاور از جمله در پاناما منتشر  
گردید .

جرائد مذکور ضمن درج این مصاحبه خاطرات  
تشریف جناب سفندری بحضور حضرت بها \* الله  
را چنین نگاشتند .

" هیچکس مثل من نمیتواند ایام حضرت  
بها \* الله را بیاد آورد . موقعی که جوانی ۱۶ یا  
۱۷ ساله بودم در ایامی که آن حضرت در قلعه  
مسجون بودند مدت شش ماه در محضر مبارک  
بودم . چه جلالی و چه قدرت عظیمی دو بار  
در احوالی که آیات نازل میشد و کاتب وحسی  
یادداشت میکرد در آستان مبارک حضور داشتم .  
کاتب روی زمین نشسته و اوراق اطراف او را پسر  
کرده بود . حضرت بها \* الله در کنار پنجره  
ایستاده بودند و وجه مبارک بطرف اطاق بود .  
در آن لحظات نظر بموقعیت میتوانستم وجه مبارک  
را ببینم و تمامی هیکل انور را بخوبی مشاهده  
نمایم . کلمات بدون انقطاع - سریع و مانند  
سیل نازل میشد . اما در مواقع دیگر قدرت و عظمت  
آن حضرت به حدی بود که کسی قادر نبود بصورت  
مبارک نگاه کند "

بسیاری از مطبوعات عکس رادیوئی جناب سفندری  
را ضمن مقالات و عنوانهایی بسیار جالب درج -  
نمودند که قسمتی از این عناوین در صدر این  
مقاله از نظر خوانندگان عزیز گذشت .

در لوس آنجلس جناب سفندری کسالت مختصری  
پیدا کردند که طبیب استراحت مطلق تجویز  
نمود . دان ل . تراپ Dan L. Thrapp سردبیر  
مذهبی روزنامه تایمز لوس آنجلس که با نهایت  
اشتیاق در انتظار ملاقات ایشان بود بهمین علت  
به صاحبہ با جناب دکتر سفندری قناعت نمود  
و متعاقب آن مقاله موثری در روزنامه خود منتشر  
ساخت و طی آن به کسالت جناب سفندری اشاره

" يك ایرانی سالخورده خود را به پطرس حواری تشبیه میکند و اظهار میدارد که در این مقایسه فقط يك تفاوت وجود دارد پطرس کلمات پسر را شنیده بود ولی من پدر را دیده ام "

در اینجا باید متذکر شد که این خود مستر تراپ بوده است که جناب سمندری را به پطرس تشبیه کرده است .

جناب سمندری در پایان هر مصاحبه با محبتی زاید الوصف و در حالی که در چشمانش برقی مشاهده میشد خطاب به ارباب قلم اظهار میداشت " شما در مقابل خداوند مسئول هستید که آنچه را مینویسید و گزارش میدهید دقیق و مطابق با حقیقت باشد "

مارکوس باخ Marcus Bach از شخصیت‌های برجسته آمریکا در پایان مذاکرات خود با جناب سمندری از ایشان سو' ال نمود " اگر این امر حقیقت داشته باشد پس چرا اثرات قوای روح القدس در میان بهائیان چندان زیاد نیست؟ "

جناب سمندری در مقابل این سو' ال اعتراض آمیز بلا درنگ چنین جواب دادند " من انتظار نداشتم که شخصی مانند شما چنین سو' ال بنماید آیا فراموش کرده اید که در ظهور حضرت مسیح اوضاع به چه منوال بود؟ چقدر طول کشید تا امر حضرت مسیح مستقر شد؟ و حال آنکه از دیانت بهائی فقط یکصد سال میگذرد و با وجود این بسیاری از تعالیم و دستورات بهائی هم اکنون به مرحله عمل درآمده است "

آتش عشق و علاقه دکتر باخ نسبت به امرالله بار دیگر در دل او زبانه کشید و در بهار امسال مجدداً او را به زیارت ارض اقدس کشانید "

جناب سمندری این نادانی با وفای اسم اعظم با بهائیان و متمسکین بسایر ادیان یکسان رویرو میشدند . امر حضرت بها' الله را در نهایت سادگی و کمال روحانیت تعلیم میدادند . مقام

و رسالت حضرت بها' الله را با بیانی رسا و متین تشریح مینمودند . قوای معنوی جناب سمندری تصمیم خلل ناپذیر او در سبیل انتشار پیام الهی توکل و توسل او به تأییدات آسمانی از خود گذشتهگی و انقطاع او از ما سوی الله ( جناب سمندری ده ها سال است که خانه شخصی ندارند و تمامی مایملک ایشان درون چمدانی همراه ایشان است ) و محبت لانهایم او نسبت به جمال مبارک و مرکز میثاقی به یارانی که افتخار استماع بیاناتشان را داشته اند میآموزد که هر يك خود را در ترازوی انصاف بسنجند و ببینند آیا آنچه را که تا کون در راه خدمت به آستان مقدس انجام داده اند کافی بوده است یا اینکه باید در آن تجدید نظر کنند و بر خدمات و جهودات خویش بیفزایند؟

جناب سمندری در بیانات خود خطاب به نفوس غیر بهائی هیچگاه از تذکار و انذار بآنها امتناع نمیکردند . در حالی که بشارت بظهور حضرت بها' الله میدادند و تعالیم مقدسه اش را ابلاغ مینمودند و آنان را از مسئولیتی که امروزه بر عهد ه دارند آگاه میساختند بآنها نصیحت مینمودند که در این موقع که فرصتی دیگر بآنها داده شده درست تفکر کنند و اشتباهاتی را که در زمان سفر حضرت عبدالبها' به آمریکا مرتکب شدند و به نصایح او گوش ندادند بار دیگر تکرار نکنند و متذکر شدند " اگر امریکاییها به آنچه حضرت عبدالبها' فرمودند عمل میکردند و به راهنمایی های آن حضرت توجه مینمودند حالا آمریکا بهشت برین بود و هیچیک از مشکلات کنونی رخ نمینمود "

ایادی امرالله در جمع اهل بها' فرمودند " هفده سال قبل از صعود حضرت عبدالبها' یاران آمریکا با چنان جانفشانی برای خدمت امرالله قیام نمودند که عریضه ای امضا کردند و به حضور مبارک تقدیم نمودند و متعهد شدند که مساعی خود را حصر در خدمت به امر حضرت بها' الله نمایند .



اقدام یاران حضرت عبدالبها را به این خطه  
کشانید با مریکا سفر فرمودند و بذراشنانی کردند  
تمام پیشرفتهائی که در ایسن سرزمین نصیب  
امرالله شده است حاصل همان بذرهائی است  
که تدریجا رشد و نمو کرده است . ولی بسذری را  
که حضرت عبدالبها کاشته اند باید حاصل آن  
خرشهای عظیمتری باشد "

جناب سفندری از مسئولیتهای خطیری که فرد فرد  
احباء در زمینه تبلیغ امرالله برعهده دارند  
و همچنین از وظائف اعضای محافل روحانی در این  
خصوص سخنانی ایراد نمودند و متذکر شدند که  
حضور کلیه نه نفر اعضای محافل روحانی در تمام  
جلسات محفل اهمیت حیاتی دارد توجه اولیا  
را به مسأله تربیت روحانی اطفال معطوف  
داشتند و خاطر نشان کردند که (حضرت ولی  
محبوب امرالله تاکید فرموده اند که تربیت  
نونهالان باید از بدو طفولیت آغاز گردد و مسئولیت  
این امر در درجه اولی بعهده مادران است "

در پایان سفر خود جناب سفندری از خاطرات  
اقامت خویش در حيفا در ایام جمال اقدس  
ابهی شرحی بیان داشتند و گفتند که مدتی مریض  
بودند و نتوانستند در محضر مبارك حضور یابند  
و بدین سبب قلب ایشان در احتراق بود . پس  
از چندی که حالشان بهتر شد و توانستند به عکا  
عزیمت کنند غم و اندوه خود را بعلمت محرومیست  
از تشریف بحضور مبارك معروض داشتند . محبوب  
عالمیان سو ال فرمودند که چرا از این امر دلنگ  
است و شکایت میکند مگر در حضور سرکار آقا نبوده  
است؟ سپس جمال مبارك فرموده بودند که او  
در حقیقت در حضور مبارك بوده است . در نظر  
جناب سفندری این بیانات مبارك اولین اشاره  
نسبت به مقام واقعی حضرت عبدالبها و اولین  
درسی بوده که در باره مرکز میثاق الهی  
آموخته است .

فرزند و خد متگزار با وفا

جناب دکتر مهدی سفندری عضو هیئت  
معاونت ایادی در افریقا مبلغ و مهاجر فعال  
امرالله و فرزند جناب سفندری ایادی امرالله  
در طول این سفر چهار ماهه چنان نقش موثری  
را در کمال بردباری و با نهایت تواضع و مهربانی  
و بدون احساس خستگی ایفا نمودند که از توصیف  
خارج است . ایشان نه تنها خطابات و بیانات  
حضرت ایادی امرالله را با دقت تام ترجمه  
مینمودند بلکه روح واقعی و معنای حقیقی هر یک  
از کلمات و احساسات بدر بزرگوار خود را منعکس  
میکردند . حس رأفت و دلسوزی ایشان از مراقبتهائی  
که نسبت به پدرشان بعمل میآوردند بخوبی  
استنباط میشد و وقتی این حقیقت ضمن ابـراز  
احساسات و قدردانی از قبل جامعه بهائیان  
امریکا به ایشان شخصا ابلاغ شد تبسمی کسوده  
گفتند " میدانید هنگامی که جناب سفندری از  
عائله خود جدا شدند و حسب الامر حضرت ولی  
امرالله برای تبلیغ کلمه الله راه سفر در پیش  
گرفتند من شانزده سال پیش نداشتم . از آن زمان  
بعده بندرت موفق بدیدار ایشان میشدم . چهل  
سال از من دور بودند . در مدت شانزده سالگی  
که من در افریقا بودم فقط چند مرتبه ایشان را  
دیدم و با هم صحبت کردیم . اکنون که خود را با  
پدرم میبینم و بایشان خدمت میکنم این امر برای  
من نعمتی بزرگ بشمار میرود "

پیام هنگام تودیع

در آخرین ملاقاتی که با ایادی امرالله جناب  
سفندری بعمل آمد از ایشان سو ال شد آیا مایلند  
پیام مخصوصی برای یاران امریکا بفرستند . جناب  
سفندری اظهار داشتند :  
" اگر فکر میکنید این پیام نتیجه بخش باشد

# ماریون جک

ترجمه حسن محبوبی

بدوا ترجمه تلگرافی منبع مبارک حضرت ولی محبوب امرالله را زیب احوال حیات خجسته خصال ماریون جک یا به فرموده مبارک حضرت عبدالبها جنرال جک مینمائیم :

" از فقدان قهرمان فنا ناپذیر امرالله ماریون جک که بی نهایت مورد محبت و عنایت و تمجید لا نهایی مولای مجید حضرت عبدالبها جل عظمته بوده و مثل بارزو درخشان مهاجرین عصر حاضر و نسلهای آینده در مشرق و غرب عالم است و در ثبات و استقامت و فداکاری و از خود گذشتگی بسالت و شجاعت برکلیه خادمین این امر نازنین بغیر از میس مارتاروت که شبیه و شبیلی نداشته فائق است متأثر و متأسفم . خدمات عالیقدرش در طی تقریباً نیم قرن در امریکای شمالی و اروپای شرقی که در ایام مظلم و خطرناک جنگ دوم جهانی بذروه اعلی رسید انوار ابدی الانار در تاریخ زرین معاصر امر بهائی بیادگار گذاشت .

این نفس مبارک پیروزمند به حلقه ممتاز خادمان جانفشان هم طراز خود در مدکوت ابهتی که عبارتند از مارتاروت - لوا گسینگر - می ماکسول - هایس - دان - سوزان مدی - کیس رانسون کهلر - الابیلی و دورتی بیکر که بیکرهای اطهرشان در سراسر کره عالم از هنولولو - قاهره - بوئینس آیرس - سیدنی - طهران - اصفهان - طرابلس گرفته

تا اعماق دریای مدیترانه آرמיד بیوست و شاهد اهمیت و جلال خدمات باهره مهاجرین جامع بهائیان امریکای شمالی در دو عصر رسولی و تکوین مییاشد . با شرکت محفل ملی کانادا و لجنه تبلیغ اروپا جلسه تذکر شایسته در حظیره القدس - امریکا برپا نمائید . به کمال اشتیاق با محافل مقدسه روحانیه ملیه آمریکا و کانادا در هزینفه ساختمان مجللی بر مرقد منورش که ابدی الانار و در جوار پر انوار مدینه مقدسه ارض سر محفل اظهار امر علنی و ابلاغ الواح و زرقیه حضرت بها الله به اهل عالم است و بایستی لیدی الاقتضا بنا گردد مشارکت مینمائیم . این پیام را به محافل روحانیه ملیه ابلاغ نمائید .

شوقی

بتاریخ ۲۹ مارچ ۱۹۵۴ حیفا . اسرائیل . . . . .

ماریون جک در ۲۵ مارچ ۱۹۵۴ در صوفیه بلغارستان که در آن مدینه مدت ۲۴ سال بعنوان مهاجر دیانت مقدسه بهائی زندگانی نمود بملکوت رب و دود صعود فرمود و بیکر مطهرش در قبرستان انگلیسیها بخاک سپرده شد . تلگراف منبع مبارک فوق شاهد عظمت و جلالت مقام عالی این نفس نفیس و آیت خلوص و تقدیس است . ماریون جک از خانواده محترمی در اول دسامبر

که ماریون جک تبلیغ مینمود ما هم عمل کنیم  
به یقین مبین بیشتر اهل زمین در ظل لسوای  
امر حضرت رب العالمین درآیند. در سنه ۱۹۳۰  
مجدداً به حیفا مشرف شد و از آنجا یکسره و برای  
مادام العمر جهت خدمت به حضرت رب الیینات  
به صوفیه در بلغارستان هجرت کرد و در آنجا  
توطن اختیار نمود در سالهای اولیه به تبلیغ امر  
و تعلیم در مدرسه تابستانه آلمان و وین و خدمت  
در بوداپست میفروداخت و در صوفیه با اشخاص  
مهم و رجال با شخصیت معاشرت میکرد. به  
محض شروع جنگ دوم جهانی ولی عزیز امرالله  
حضرت شوقی ربانی امر فرمودند به سویس یا محل  
امن دیگری بروند لکن مشار الیها رجا کرد اجسازه  
فرمایند چون سرباز جانباز در محل بست خود  
باقی بماند و با معونه کمی که آن نیز بعلت قطع  
روابط ناشی از بروز جنگ قطع شده بود باوجود  
کهولت زیاد و کسالت مزاج در نهایت سختی و  
محرومیت در نقطه بعیده مهاجرت به خدمت  
آستان احدیت مداومت داد و نهایت استقامت از  
خود ظاهر کرد. بی جهت نبود که حضرت  
عبدالبهاء جل ثنائه مشار الیها را جنرال جک  
نامیده بودند.

یکی از احبباء راجع بآن ایام چنین مینگارد "هر  
کجا که مشار الیها میرفت محبوب عموم و دافع  
غمو بود و چون آن سرزمین در بس پرده آهنگین  
رفت دوستان از ترس دولت آن زمان دیگر کمتر  
بدیدن آن عاشق جمال جانان میرفتند بطوری که  
در اواخر ایام حیات مبارکش ملاقاتش منحصر  
به یک نفر از احبباء شده بود و در آن حالت و  
شدت کسالت در نامه های پر مهر و محبت خود  
باندوست با وفا مراسم تودیع و بشارت به زیارت  
را در ملکوت ابهی میداد.

نامه های آن عاشق دلباخته محبت آمیز  
و روح انگیز بود قسول انگلیس مشار الیه سارا

۱۸۶۶ در سنت جان نیو برنموویک — New  
Brunswick کانادا بدنیا آمد. بیشتر  
علوم و فنون خود را در انگلستان و مخصوصاً در فرانسه  
فراگرفت و در فن نقاشی مهارت یافت چنانکه بعضی  
از آثار نقاشی مشار الیها در دار الاثار مرکز جهانی  
بهای در ارض اقدس موجود و مشهود است.  
وقتی در پاریس بود ندای امرالله را شنید و به  
فحض اقبال با مقرر متعال تمام اوقات خود را  
صرف خدمت به امرالله نمود. در سنه ۱۹۰۸ در  
عکا حضور مبارک حضرت عبدالبهاء مشرف شد و به  
نواده های مبارک لسان انگلیسی میآموخت.  
در سال ۱۹۱۴ با امریکای شمالی مراجعت کرد  
و اولین نفسی بود که به ندای ملکوتی حضرت  
عبدالبهاء جهت مهاجرت به آلاسکا و تبلیغ در ترنتو  
و مونترال و بسیاری از نقاط دیگر پاسخ مثبت و سریع  
داد و عاشقانه قیام و اقدام کرد و در گرین ایکر  
Green Acre به تعلیم شرکت کنندگان در  
مدرسه تابستانه و تبلیغ امر خداوند یگانه  
پرداخت.

بسیاری از یاران حضرت رحمن این خادم جانفشان  
و فدائی حضرت سبحان را بخاطر میآورند. زیبایی  
صورت — فهم و ادراک و حسن اخلاق — تبسم  
شیرین و سخنان دلنشین مشار الیها نسبت به پیر  
و جوان مصاحبینش را سخت تحت تأثیر قرار  
میداد هرکجا میرفت محبوب همگان بود و عشق  
و ایمان بی پایان آن عاشق دلباخته امر حضرت  
یزدان و مقرب مولای محبوب عالمیان موجب میشد  
عموم دوستان را مجذوب خود و منجذب جمال  
جانان نماید.

یکی از احببای گرین ایکر در باره مشار الیه مینویسد:  
"آن یار مهربان بقدری شاد و خندان بود که  
انسان شائق بود همیشه مصاحب او باشد. همیشه  
بکارگاه نقاشی او میرفتم هر نقشه را با حرارت  
بدان مبادرت مینمود و اگر با همان عشق و مسرت

( رفیق ما ) میخواند . یکی از شاگردان باوفایش که توسط مشار الیها بشرف ایمان فائز شده بود از اواخر ایام آن امه موقته در شهر صوفیه مینویسد " من خانم ماریون جك را در سال ۱۹۳۸ بعهد از تصرف اطیش توسط قوای مهاجم و توسط موقت خود در صوفیه هنگامی که به انتظار دریافت ویزا و مراجعت با آمریکا بودم در رستوانی موقع صرف غذا ملاقات کردم و تبسم شیرین آن یار نازنین فوراً مرا مثل همه بسوی خود جذب کرد و روزی که مترجم انگلیسی زبان ایشان حضور نداشت از من تقاضا کرد در ترجمه بیاناتش مساعدت نمایم از آن روز بعد که سر میز نهار افتخار دیدار آن سرور ابرار و استماع بیانات گهربارش را داشتم و با دعوت مشار الیها به محافل پر انواری که در آن دیار با وجود کهولت و کسالت برقرار کرده بود میرقم تا بشرف ایمان بدیانت مقدس بهائیی مفتخر گردیدم . اطاق کوچکش موزه \* از کتسب و مجلات و تصاویر بود و برای نشستن از صندلی یا تختخواب یا زمین یا هر کجا که میسر میشد استفاده میکردم همیشه برای مهمانی اطعمه گوارا حاضر داشت مسئله زبان مشکلی برای او - بوجود آورده بود ادبیات و آثار بهائی بلسان بلغاری نداشت خطابات مبارک حضرت عبدالبها در پاریس کتاب محبوبش بود که از فرانسه به آلمانی یا انگلیسی و بعداً توسط دیگری به زبان بلغاری ترجمه گردید و با روح ایمان و با وجود عدم آشنائی بلسان به تبلیغ امر در آن سامان میپرداخت و بر خدمت حضرت احدیت موفقیات حاصل میکرد . چون فقط دیانت مسیحی ( ارتودوکس ) دیانت رسمی کشور بود و چند دیانت دیگر مثل یهودی - باب تیست - ادون تیست و اسلام مجاز بداشتن انجمنی بودند ماریون جك خیلسی در انتخاب مصاحب دقت مینمود چه که تشکیل جلسه برای دیانت بهائی قدغن بود و مستخدمین

کشوری متعهد شده بودند فقط در ظل دیانت رسمی کشور باشند لذا موقعیکه جنگ دوم جهانی شروع شد ملاقاتهای ماریون جك با اجبار کنار گذارده شد و من غیر مستقیم توسط بلغاریهای بی طرف با ایشان در تماس بودم با اینکه بعلمت شروع جنگ از لحاظ مالی نیز سخت در زحمت بود اما روح پر استقامتش شکست ناپذیر بود و بیان مبارک جمال قدم جل ذکره الاعظم را همواره بیاد داشت که میفرمایند : استقامت شرط راه است و دلیل ورود به بارگاه .. " در اکتبر ۱۹۴۰ که من عازم آمریکا شدم تلفنی مذاکره و حضوراً مشار الیها را در اطاق بمبار کوچکی که به سختی جای دو نفر میشد و سه هتلی ارزانتر نقل مکان کرده بود ملاقات کردم و رجاء نمودم همراه من مراجعت نماید لکن مشار الیها تقاضای مراد کرد . در توقیع منبع مبارک مورخ ۱۷ جون ۱۹۵۴ خطاب به محافل مقدسه روحانیه ملیه جزائر انگلیس هیکل اطهر مولای محبوب روش مهاجرت ماریون جك را بینهایت تجید و تجلیل فرموده آنرا میزان تحمل مهاجرین قرار داده میفرمایند : " ... سړیک بستم باقیماندن - تحمل مشقت و فداکاری تنهائی - غربت و کربت نمودن و در صورت لزوم رنج و بلا و آزار و اذیت کشیدن بسرای مرتفع و تابناک نگاهداشتن مشعل فروزان جمال اقدس ابهی در اعلی قله اقطار شاسعه جهان فریضه اصلیه حقیقیه هر مهاجر بهائی است ... ماریون جك را بیاد آورید که متجاوز از ۲۰ سال در کشوری که به زبان آن هرگز تسلط نیافت در احیان جنگ و بمبارد مان که همه کس آنجا را تخلیه مینمود به کمال فقر و نهایت کسالت از سر بستم خود جدا نشد و حال آن روح پاک خاک ازضی را که برای خدمت به حضرت احدیست اختیار کرده بود با جسد منور مطهر ذقیقتش که

هر ذره وجود خود را فدای جمال اقدس ابهسی نمود متبرک ساخت شاید یاران الهی آگاه نباشند در زمان جنگ مولای محبوب چندین بار بمشاریهها دستور فرمودند برای حفظ خود و قبل از آن که پشت خطوط دشمن قرار گرفته روابطش با دنیای خارج قطع گردد به سویس برود و همیاران - عاشق بیقرار از آن جمال مختار رجا نمود و اصرار کرد اجازه فرمایند پشت خود را در آن دیار که صباح هدایت حضرت احدیت را بر انوار نگاه داشته با وجود ریزش بمبهای آتش زا و رگبار مسلسل ترك ننماید . عاقبت استدعایش مورد اجابت جدی رب قدر قرار گرفت . . .

همچنین در لوح ضمیمه مورخ ۲۴ می ۱۹۵۴ که به افتخار لجنه تبلیغ اروپا شرف صدور یافته مولای عالمیان صفات حمیده و خدمات ارزنده لایقش ماریون جک را باین امر اعظم افخم و شرایط سختی را که قهرمانانه با آن مواجه بود و زندگی و خدمت مینمود ستوده میفرمایند :

" . . . توصیه میکنم در مکاتبات خود با مرکوز جوامع بهائی اروپا شرح حیات بر طبییات ماریون جک که مثل با مجد و جلال خدمت پر استجلال به حضرت ذو الجلال است به استحضار سایر یاران راستان الهی برسانند . یاران راستان از پیر و جوان مهاجر الهام بخش دیگری جز ماریون جک نخواهند یافت تا در اثر اقدامش سالک گردند این نفس نفیس و آیت خلوص و تقدیس که متجاوز از ۲۰ سال با وجود اتساع قلب و بسپاری از - کسالتهای دیگر سر بست خود در بلغارستان به نهایت همت استقامت ورزید در حالی که اکثر اوقات از فقر و احتیاج و عدم خوراک و پوشاک و نداشتن وسائل گرم شدن بعلمت نرسیدن وجه مقرری مشاریهها به بلغارستان که تحت تفهون شروی درآمد بود رنج فراوان میبرد و مشقت بی پایان میکشید با اینکه مرتب بمب بر سرش

میریخت و در آن حال اموالش را از دست داده به علت فقر از اطاق کوچکش نیز خارج و چندین ماه متوالی با کمهولت زیاد و کسالت سخت در راهروهای سرد که محل حرکت ترنهای زیر زمینی بود در صوفیه پایتخت بلغارستان بکمال شجاعت و استقامت با پای پیاده به تبلیغ امر حضرت احدیت مداومت داد " هیگل مبارک میفرمایند " موقعی که امرالله در آن دیار مستقر گردد مرقد منور آن سرباز فداکار ملیک مختار مزار ملی گشته بی نهایت محبوب عموم و مورد توجه و احترام دلباختگان حی قیوم خواهد شد . " . . بنظر این عید هر یک از یاران و بالاخص مهاجرین جمال جانان که جلای وطن اختیار و برای انتشار کلمة الله و خدمت به امرالله به هر دیار هجرت کرده اند لازم است شرح حیات درخشان ماریون جک را بدانند به مشاریهها ناظر باشند و در اثر اقدام ان امه موقده و مبلغه مشخصه شهیره سالک گردند . . . "

در تاریخ ۳ جولای ۱۹۵۴ حسب الامر حضرت ولی عزیز امرالله ارواحنا لعنایاته الفدا" در مشرق الاذکار شیکاگو محفل مقدس روحانی ملی بهائیان امریکا با مشارکت محفل مقدس ملی کانادا و لجنه تبلیغ اروپا محفل تذکر شایسته بیاد مشاریهها علیها اطیب التحیة و الثناء" برپا گردید که در آن متجاوز از ۲۰۰ نفر از یاران امریکا و نماینده محترم جامعه کانادا حضور داشتند . همچنین در کانونشن ملی بهائیان کانادا که اول می ۱۹۵۴ با حضور احبای کانادا برپا شد مجلس تذکر مجلس دیگری بیاد متصاعده الی الله ماریون جک انعقاد یافت و تجلیل فراوان از آن فارس میدان ایمان و ایقان و مهاجر بی نظیر و قهرمان بعمل آمده که شرح آن در اخبار امری مورخ آپریل ۱۹۵۵ توسط محفل مقدس روحانی ملی بهائیان کانادا انتشار یافت و بیانات متعالیه مقدسه حضرت بهال الله که در صفحه ۳۱۹ کتاب مستطاب بشارات است تلاوت گردید .

# صفحه‌های از یک کتاب

در تابستان سال جاری ( ۱۳۵۰ بدیع ) که کفرانس تاریخی بالرمو تشکیل می شد و پس از آن احبای شرکت کننده در کفرانس برای برگزاری مراسم جشن یکصدمین سال ورود جمال اقدس ابهی به ارض اقدس و زیارت اعتبار مقدسه عازم آن صفحات میشدند محفل مقدس روحانی ملی بهائیان ایران مبادرت به نشر کتابی به نام " اماکن تاریخی بهائی در ارض اقدس " نمود که در واقع راهنمای مسافری و زائرین در این سیر و سیاحت باشد . برای استفاده از مطالب این کتاب و ارائه نمونه ای از مباحث آن قسمت مربوط به " قوس و مرکز اداری جهانی " در این مقام نقل میشود :

.....

" دورم مبارک غصن الله الاطهر و مخدره کبری ام حضرت عبدالبها \* صحیحا سالحا به جوار مقامات مقدسه در جبل کرم انتقال یافت . رمس مطهر خواهرسر - برادر و مادر و حرم حضرت عبدالبها \* در یک نقطه مجتمع گردیدند نقطه ای که مقدر است مرکز اصلی مو \* سمات اداری بهائی در مرکز جهانی امر گردد . " شوقی ربانی

پنجم دسامبر ۱۹۳۹

ترجمه از کتاب " راهنمای امروز و فردا " صفحه ۷۲ - ۷۱ :  
" کاملا واضح است و نیازی به تأکید نیست که استقرار رمس حضرت ورقه مبارکه علیا در جوار مرقد برادر و ام بزرگوار قوای روحانیه ساطعه از آن مکان مقدس را شدیداً تحکیم و تقویت مینماید و در حول این سه مرقد مقدس و در ظل ظلیل

مقام مقدس رب اعلی من بعد بمرور ایام مرکز اداری جامعه اهل بها<sup>۱</sup> تأسیس شود و در قرب آن مقامات مشرق الاذکار ارض اقدس بنیانش مرتفع گردد و مشروعات جلیله و تأسیسات بین المللی اداری و علمی و اجتماعی آئین بهائی تشکیل شود و سریر ملکوت الله مستقر شود و علم یا بها<sup>۲</sup> الابهی بر اعلى الاعلام منصوب گردد و شلیک وحدت عالم انسانی بلند شود اذا يتحقق ما نزل فی لوح الکرمل من قلم عز منیر سوف تجری سفینه الله علیک و یظهر اهل البها<sup>۳</sup> الذین ذکرهم فی کتاب الاسماء<sup>۴</sup> .

توضیح عظمت و جلالی که ملازم این مو<sup>۵</sup> سمات است و بطور اجمال و توصیف خصوصیات و طرز عمل آنها ولو در نهایت اختصار و توجیه سیر حوادثی که مخبره ارتفاع و استقرار آنها میشود ولو بطور ناقص از قوه و استطاعت این عبد خارج است .

کافی است گفته شود که در این مرحله بر اضطراب تاریخ عالم اجتماع این رسه رص مظهر که بعد از طلعات ثلاثه آئین نازنین ما در رأس جماعات کبیر - قهرمانان - حروفات - شهدا<sup>۶</sup> - ایادی امرالله - مبلغین و مجریان مو<sup>۷</sup> سمات اداری شریعت الله در یک چنین مرکز مقتدر روحانی و اداری بنفسه واقعیه ای است که سنوحات رحمانیه اش موجب تسریع ظهور گوهرهای درخشان آن نظم جهانی در سرزمینی خواهد شد که از نظر جغرافیائی و روحانی و اداری قلب این کره ارض محسوب میگردد . نظمی که اکنون در رحم این عصر بر محن دوران جنینی خود را طی میکند .<sup>۸</sup>

ترجمه از بهائی نیوز جولای ۱۹۶۳ صفحه ۷ :

" در این لوح عظیم کرمل که کاشف اسرار الهیه و مبشر استقرار دو مشروع عظیم و جلیل و مهم ... مرکز جهانی روحانی و اداری شریعه الله ... حضرت بها<sup>۹</sup> الله بیک سفینه اشاره میفرمایند که راکبین آن رجال بیت العدل اعظم الهی هستند که بر طبق نصوص صریحه الواح وصایای مرکز میثاق عظیم الهی آن هیأتی است که باید قوانین غیر منصوصه الهی را وضع نماید . در این دور مبارک مقدر چنین است که این احکام از این جبل مقدس جریان یابد همچنان که در دوره موسوی احکام الهی از جبل سینا انتشار یافت . " جریان سفینه احکام الله<sup>۱۰</sup> اشاره به استقرار بیت العدل اعظم الهی میباشد .

از کتاب پیامهای مبارک به عالم بهائی صفحه ۷۹ :

" بعلاوه اقداماتی برای ابتیاع چند فقره املاک و اراضی بقیمت تقریبی یکصد و چهل هزار دلار بعمل آمده که تملک آنها برای حفظ حول و حوش مقام اعلی و همچنین جهت اتساع آینده قوسی ضرورت دارد که در اطراف آن باید بعداً ابنیه ای ساخته شود که مقدر است در آینده مرکز جا معه جهانی بهائوسی گردد " .

از کتاب پیامهای مبارک به عالم بهائی صفحه ۷۵-۷۴ :

" این انبیه رفیعہ بشکل قوس عظیمی با هندسه بدیع وهم آهنگی بی نظیر مرقد مطهر حضرت ورقه علیا نفس فرید و ممتاز در بین نساء عالم بهائی و مرقد حضرت ضمن اطهر قدیمه مقدس حضرت بهاء الله برای احیاء عالم و انعقاد ام و مرقد ام حضرت عبدالبهاء را که از قلم اعلیٰ به خطابه " جعلك صاحبہ له فی كل عالم من عوالمه " مخصص گردیده احاطه خواهد نمود و تکمیل نهائی این انبیه رفیعہ و مشروعات عظیمه نشانه آن است که نظم اداری جهانی الهی که در اواخر عهد رسولی آغاز شده بمرحله رشد و کمال خود واصل گردیده است . این اقدامات و مشروعات خطیره حتی الحصول در تاریخ روحانی بشری نظیر و با دو امر مهم یکی تأسیس صلح اصغر در خارج از عالم بهائی و دیگری تکامل مؤسسات ملی و محلی در داخل امرقارن خواهد بود و در عصر ندهیسی دور بهائی به سبب ارتفاع علم صلح اعظم و تشکیل مرکز جلیل الشان جهانی مؤسسات اداری نظم بدیع حضرت بهاء الله به اعلیٰ درجه عظمت و کمال خواهند رسید تأسیس این مفر حکومت آتی جهانی بهائی پیش از ظهور سلطانیت و سیطره شارع مقدس این آئین نازنین و استقرار ملکوت آب آسمانی در بساط قیام است که حضرت مسیح کرارا به آن بشارت و وعده فرموده است . "

+++++

جناب مخندری در امریکا ( بقیه از صفحه ۱۵۳ )

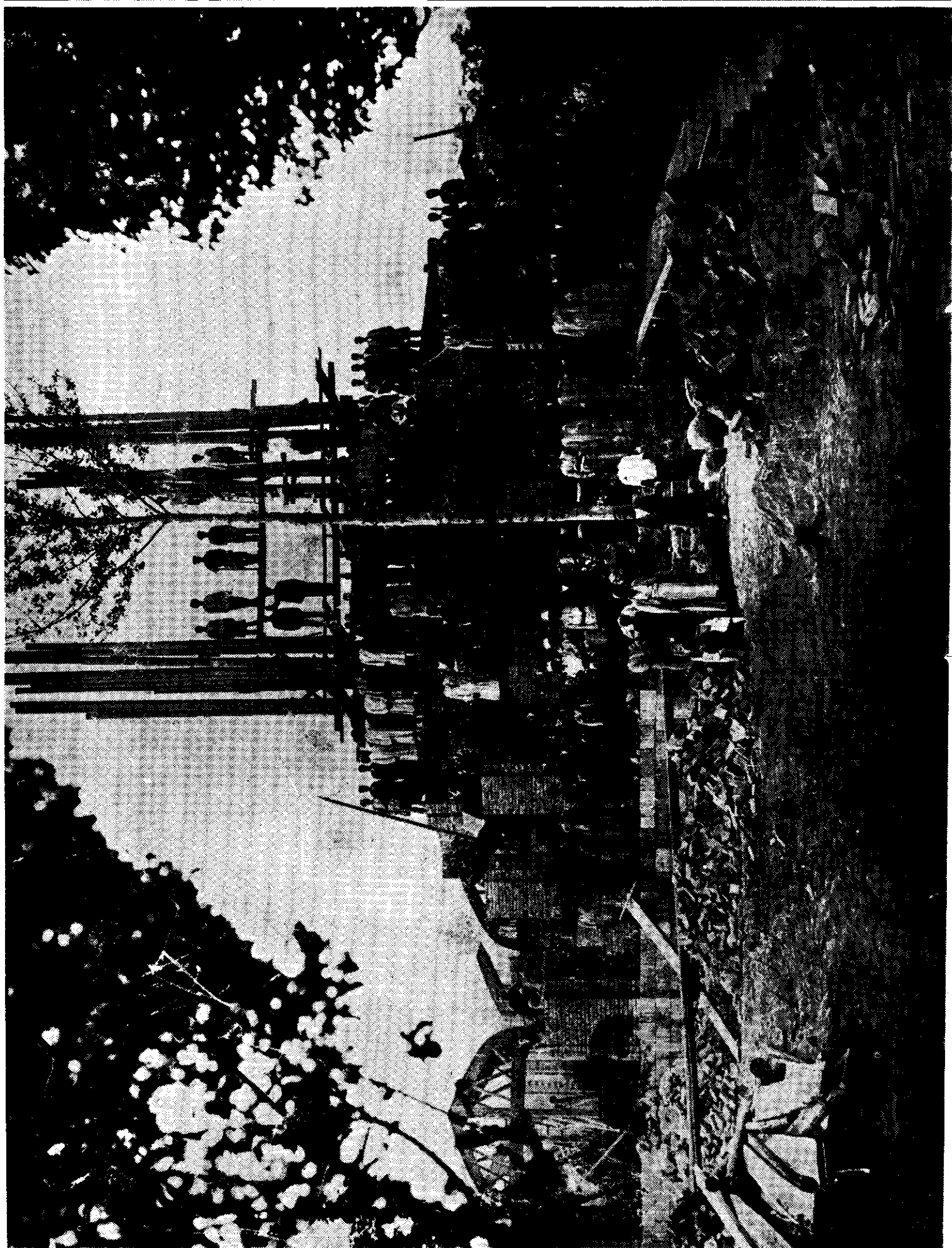
به یاران بگوئید این بیر مرد علی رضی صف و ناتوانی و کسالت در چنین هوایی خطرناک برای خدمت باستان مبارک حضرت بهاء الله طول و عرض این قاره را پیموده است " جناب مخندری هنگام ادای این عبارات فوق العاده خسته بنظر میرسیدند و تکرار کردند " اگر فکر میکنید اثری داشته باشد فقط این را بپاران بگوئید . "

## تاریخی

+++++

عکسی که در صفحه مقابل از نظر خوانندگان گرامی می گذرد منظره ای از جریمان - ساختمان مشرق الاندکاه شقی آباد را نشان میدهد . سنگ بنای این مشرق الاندکار در سنه ۱۳۴۰ هجری قمری مطابق با ۱۹۰۲ میلادی گذاشته شد و جمعی از اعیان ترکستان و نقاط دیگر در اتمام بنای آن شریک و سهم بوده اند .





# سَرعشَق

از: فاضل شیزاری



ای دل بیا بیاد دلارام دم زنیـــم  
سرد رهش نهیم و بکوش قدم زنیـــم  
ملك وجود جمله نیرزد به ارزتی  
گر رایت ظفر به جهان عدم زنیـــم  
ز آئینه سگدرت ار نیست اگهی  
بگذر از این فسانه که تا جام جم زنیـــم  
بر لوح دیده ز اشک دمام نمیتوان  
حرفی ز سر عشق رخس را رقم زنیـــم  
عالم چو شبمی است به کام نهنگ عشق  
زین ساحل ار گذار کی سوی یم زنیـــم  
ما بندگان عهد الستیم و تا ابد  
جام بلی ز عشق جمال قدم زنیـــم  
می گر زخم دوست بود و ز کف نگار  
ما باده هی بیایی و می دمدم زنیـــم  
مست لقا بعرض بقا مستوی شدیم  
وینک صلاى عشق ورا برامم زنیـــم  
خوش باش ای "حکیم" که مجنون عشق یار  
گشتیم و پای بر سر علم و حکم زنیـــم

# اسناد و مدارک

## چهارم نما ۱۹۰۴-۱۳۲۲ جریده مصور

قیمت آون سالانه  
ظرف ۸۰ فروش  
تایان دولت علیا ایران  
سه تومان ۳  
بلاد محروسه عثمانی  
چهار مجیدی ۴  
هند ۱۰ روپیه  
قطر ۳  
فنت منان ۸  
لوریا ۲۰ فرانک

۱۵ صفر ۱۳۳۰ هجری مطابق ۵ فور بر ۱۹۱۲ میلادی

مستشرق شهیر و نامی  
( دوكتور البرخت و برت ) كه  
يكي از اعظم مستشرقين  
مغرب زمين و از اجله حكما  
اين عصر شناخته ميشود قبل  
از دوسه ماه مسافرتي از  
برلين بپاریس و لندن مينمايد  
و در موقعي كه اسقف اعظم  
لندن از رئيس فرقه بهائيان  
( عباس افندی ) وعده خواهي  
نموده كه در كليسای ( وستمينستر )  
كه بزرگترين كليسای لندن  
و محل تاجگذاري پادشاهان  
انگلستان است رفته خطابيه  
بخواند و قريب سه هزار نفر  
از علماء و قسيسين و مستشرقين  
در كليسيا حاضر بوده اند  
كه منجمه ( دوكتور البرخت

وبرت ) مذکور باشد پس از اصغای  
خطابه و مراجعت بالمان باسم  
( ارمغان گرانبها ) سياحتنامه  
خود را منتشر مينمايد كه جمله  
ذيل را كه تحت عنوان ( هنوز  
ايران زمين فيلسوف آور است )  
در اينجا مندرج مي داريم :  
هنوز ايران زمين فيلسوف آور است

در اين مسافرت اوقاتي بر قيمت  
مرا تصادف گرديد كه قبل از  
حركت هرگز به تصورات ذهنيام  
چنين تلافی مسعودی خطور  
نميكرد كه خود را از كمتر  
انبساط و فرحمندی در اعماق  
بي پايان حيرت فرو رفته و  
متحيرم كه آن ساعت مغتمه  
را كه بايد از مواهب عظيمه

غيبه پندازم در دفتر سوانح  
عمرم بچه نام مسعود مششع  
تاريخی اتلاق يا مشابهت  
نمايم . كسانی كه سالهاست  
با من موانست و مخالفت دارند  
ميدانند كه من از گاه خود  
شناسی و آشنا شدم بالسنه  
شرقيه و زبان عذب البيسان  
فارسی بچه اندازه فریفته  
اثرات روح پرور فلا سفه و حكما  
و ادبا مشرق زمين خاصه  
تألیفات حیات بخش فلا سفه  
ايران زمين بوده ام و همواره  
بهترين موانس و مجلس مزيت  
بخش كتب و دواوين آنها بوده  
پس جا دارد کسی كه سالها  
موانست با تألیفات آنها داشته  
اين تصادف مغتمه را خيلي

عظیم القدر بداند که خود یکی از اعظم فلاسفه مشرق زمین را دیده و بگوشش بیانات حکیمانه او را در لندن شنیده باشد .

آقایان در سال ۱۸۹۵ موسیو دوکور آگاسک Agasquet که یکی از مستشرقین کبار و از اعضای ( انجمن نالتی ) که از مضافات ایالت ( مورت ته موزل ) فرانسه است و تتبعهای عمیق در فلسفه اثرات مشحشع فلاسفه مشرق زمین بکار برده در ضمن یکی از رسائل مهمه خود شرحی قابل الدقه از محاسن عالیه و فلسفه حیات اعظم حکماء و اکبر فلاسفه مشرق زمین ( میرزا عباس افندی عبدالبها ) که اصل مقصودم در این مسافرت از ذکر اوست برآیم بعتوان معرفی نوشته بود و خاتمه داده بود رسیده خود را باین عبارت که من در آثار نفیسه و تألیفات مدونه حکماء مشرق زمین تا درجه تعمق رفیع آوری کردم و صحایف اثرات آنها را کاملا تدقیق کردم همچون صحیفه کامل عیار این فیلسوف بزرگ صحیفه هیچ يك از فلاسفه متقدمین متأخرین را کامل نیافتم ببینید چه میفرماید در یکی از بیانات فیلسوفانه خود که قسم اعظم بسمیکولوزی را داراست میفرماید " شرق و غرب

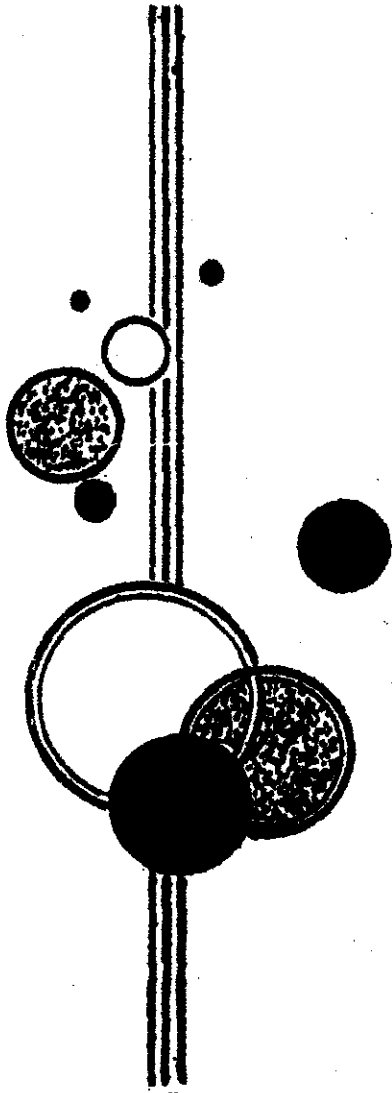
همچون دو برادر مهربان باید دست اخوت و یگانگی و مسودت عامه و صلاح کافه به هم داده چون اهل يك خانه جهان را که مهد آدمیان است خانه خود دانسته از مشاجرات و مقاتلات که مخل نظام ترقی بناه بشر است پاك و پاکیزه کنند و تخم نفاق و جدال را براندازند و چون شیر و شکر بهم بیامیزند این مختصر معرفی ایشان بود اما آنچه خود در کلیسای بزرگ وست مینستر از دولب ایسن فیلسوف بزرگ و رب النوع اعظم شنیدم راجع به حقیقت اسلام و حقیقت ذات مقدس حضرت پیغمبر آخر زمان است . فراموش نمیکم آنوقتی را که در کلیسیا بپا ایستاد و مدتی به چشمهای نگران سه هزار نفر از بزرگان علماء امریکائی و انگلیسی و فرانسوی و آلمانی با چشم درخشان خود احساسات شرافت ریز محبت نوحیه را مبادله کرد و زبان حکمت بیسان خود را گشود به تطق حکمت پاش خود به بنداشتی که به فضای وسیع کلیسیا سیل موجی از نه وادار فلسفه بیگران و جواهر زواهر بر قیمت تطق فیلسوفانه این بزرگ فیلسوف عظیم الشأن ایرانی بخرش آمد که حیظه بحار افکار

حاضرین امواج بیانی او را گنجی نبود . عجب مساند ساعتی مبارک بود که هر قدر حسواس پنجگانه مستمعین که هر يك در قلزم فلسفه بیان نهنگی مستقیمند برای درك معانی کثیر التمجید تطق معنای او مستعد شده همانا غرق دریای بی انتهای حیرت می شدند و جابك نویسان هوشمند که در نقاط قریبه کلیسیا محض استماع و تحریر فرمایشات او حاضر بودند از آغاز تا انجام ضبط کرده در تحت تحریر دقیقانه آورده اند و به من هم دادند . من به مناسبات دینی نمیتوانم بیانات مدققه او را که ( راجع به حقیقت محدثی ص و ح حقیقت دین اسلام ) بود در این جا بنویسم ولی وعده حتی بدهم که تلاقی کرده از سایر بیانات فیلسوفانه این فیلسوف ایرانی که اتعاش هزارها در اکثر قاع امریکاء و انگلستان و آلمان برانگیزد مدون کرده در آینده به شما برسانم .  
توضیح - روزنامه چهره نگار در اواخر دوره میثاق و اوائل دوره ولایت امریزبان فارسی در قاهره انتشار مییافته و این مطلب مقاله ای است که در یکی از شماره های آن راجع به دیانت بهائی منتشر شده است .

# قیمت یوجوانان

## مطالب این قسمت

از بیانات مبارکه حضرت عبدالبهاء - برای بهتر  
زیستن - شبنم در لطافت صبح - درگه دوست  
بندگی و آزادی - کیسه سحرآمیز - از خاطرات  
یاق مهاجر - جواب مسابقه شماره ۱۰ - مسابقه  
این شماره .



از بیانات حضرت عبدالبهاء  
خطاب به میرزا منیر قنبر زاده :

بیا کلید تبلیغ را بگویم ، کسی را که میخواهی تبلیغ کنی  
دوستش بدار ، چون دوستش داشتی دوستت میدارد و  
چون دوستت داشت بیانت در او نفوذ میکنند .  
فی امان الله فی امان الله

# برای بهتری زیستن

جناب نصرت الله ثابت از جوانان روحانی و فعال و خدمت ایران چندی قبل بقصد ادامه تحصیلات عالی به آمریکا مسافرت نمود و از نزدیک با روش و طرز کار جوانان آن دیار آشنائی حاصل کرده اند و اکنون که برای مدتی کوتاه بایران بازگشته اند مقاله ای در باره زندگی و پیشرفت جوانان امریکائی نگاشته و بپایان نکات جالب و مهمی را متذکر شده اند که مطالعه این نکات برای عموم جوانان و نوجوانان مفید و قابل استفاده است و به همین سبب به انتشار این قسمت از مقاله ایشان میپردازیم :

.....

- ۱- وقت ضیق است و فرصت کوتاه . در حد اقل فرصت باید حد اکثر ممکن را انجام داد . صبر نکند تا از روز شنبه هفته آینده مطالعه را شروع کنید و یا پس از اتمام امتحانات فلان کار را آغاز نمائید و یا تمام نقشه های خود را بگذارید برای وقتی که فارغ التحصیل شدید یا دیپلم گرفتید هر کاری را که میخواهید بکنید از همین امروز بلکه از همین لحظه شروع کنید .
- ۲- از انتقاد بجا و یا بیجای دیگران نهرا سید و لکن در هر آن این انتقادات را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهید باشد که نکات صحیحی در آنها بیابید .
- ۳- سعی کنید در احتفالات و ضیافت در اجرای برنامه ها شرکت کنید .
- ۴- کوشش کنید در زندگی خانوادگی رفته رفته با استقلال فردی خود بیفزائید کارهای شخصی خودتان را خودتان بکنید . از شستن جوراب گرفته تا اطو زدن لباس و واکس زدن کفش و غیره . ابتدا همراه دوستان به مسافرتها کوتاه بپردازید و سپس به تنهایی به سفرهای دور بروید و مدت کوتاهی را به تنهایی زندگی کنید

..... برای بهتر زیستن .....

سفرهای تبلیغی بهترین وسیله است .

۵ - مطالعه کنید و مطالعه را عادت خود قرار دهید و سعی کنید که بآن معتاد شوید . عضو کتابخانه های مختلف امری و غیر امری بشوید . به بیوگرافیها و شرح احوال بزرگان توجه خاص بکنید . مصابیح هدایت از لحاظ امری و بیوگرافی مختصرین و علماء و بزرگان از لحاظ غیر امری بسیار جالب است .

۶ - اعتماد به نفس داشته باشید . با روحیه نمیدانم وجه میدانم مبارزه کنید و بگوئید میدانم و سعی کنید که بدانید و از اظهار دانائی نزد دیگران نهراسید .

۷ - ورزش کنید . عضو باشگاههای ورزشی شوید و سعی کنید عضو تیم های کلاسها و بالاخره مدرسه خود گردید . روزی ۱۰ تا ۱۵ دقیقه ورزش سوندی یا ۱۰ تا ۱۲ دقیقه دویدن از ورزشهای مفیدی هستند کسه پزشکان امریکائی تجویز میکنند . شنا - والیبال - فوتبال و سایر ورزشهای معروف نیز اغلب مورد تجویز قرار میگیرند . از مدرسه بمنزل را حتی المقدور پیاده بروید و بطور متوسط هفته ای دو سه ساعت صرف ورزش کنید

به اشکال میتوان گفت بین نکات ۵ و ۷ کدام مهترند . ولی مثل معروف میگوید " عقل سالم در بدن سالم است " ۸ - هر روز و هر لحظه هدف عالیترو بهتری را برای خود در نظر بگیرید و بطرفش گام بردارید . داستان شاگرد و معلم مکتب را بیاد داشته باشید که شاگرد در جواب معلم گفت میخواهم در آتیه مثل شما بشوم معلم گفت ای وای بر تو . من میخواستم ابن سینا بشوم و این شدم وای بحال تو که میخواهی مثل من بشوی .

۹ - هیچ کاری را نا تمام نگذارید . هر کاری یا فکری را که شروع کردید حتماً بپایان برسانید " همه کاره و هیچ کاره " نباشید " همه کاره و همه کاره " باشید . یکی یکی شروع کنید و تمام را به اتمام برسانید . ۱۰ - بتقویت اراده خود بپردازید و به اراده و تصمیمی که گرفته اید اهمیت بدهید و وقع بگذارید . از روی فکر و واقع بینی تصمیم بگیرید سپس تمام قوای خود را صرف انجام آن کنید ( داروهای بامزه ای برای تقویت اراده میشناسیم . فی المثل تصمیم بگیرید برای يك ماه روی پهلوئی چپ نخوابید . یا برای مدتی آب خالص نخورید و غیره و غیره سپس بطرق و وسائل حقیقی اراده خود را قوی و نیرومند سازید .)

نکات ۵ و ۷ از داروهای موثر تقویت اراده هستند . تصمیم بگیرید روزی يك ساعت مطالعه و ۱۵ دقیقه ورزش کنید و بدون انجام این اعمال به رختخواب نروید . خودتان پس از مدتی از شادی در پوست نخواهید گنجید . مانند رفیق بی خیالمان نباشید که تصمیم گرفت که هیچگاه تصمیم نگیرد و این یگانه تصمیمی بود که او بمورد اجرا گذارد . همیشه از تصمیم های کوچک شروع کنید و رفته رفته با اهمیت آنها بیفزائید تا آنجا که از آب خوردن که جنبه صرفاً شخصی دارد برسید به اموری که انجام قسمتی از آن خارج از اراده شماست وخواست دیگران بستگی دارد مانند آنکه تصمیم بگیرید در فلان درس نمره بیشتر از ۱۸ بگیرید . در کلاس شاگرد دوم بالا بشوید . در دانشگاه قبول شوید در فلان تیم که بازی میکنید کاپیتان شوید و غیره . برنامه ریزی های روزانه و هفتگی نیز بتقویت اراده کمک میکنند .

۱۱ - بقول و رفتار و کردار و پندار خود و دیگران اعتماد و اطمینان داشته باشید با دیوسو<sup>۱</sup> ظن بسارزه کنید . فرض کنید که همه خونند و صادق مگر آنکه خلافش ثابت شود نه آنکه همه بدتند و متخلف مگر آنکه خلافش ثابت شود .

۱۲ - ظرفیت آموختن انسان زیاد است . از زیاد یاد گرفتن و کار کردن و درس خواندن و تلاش کسردن نهراسید . يك جوان ۱۶ ساله میتواند در کلاس مدرسه شاگرد ممتاز باشد . به يك کلاس امری بردو ماهی یکی دو کتاب بخواند . عضویك باشگاه ورزشی باشد و با برخی از آلات موسیقی هم آشنائی داشته باشد .



# شبنم در لطافت صبح

از: نعیم رضوی

قطرات زاله در صبح روحپرور بهاری بروی برگهای لطیف گل ولاله اشک شوق و شادی می ریزند و بصورت زیبا و بهشتی این مهرویان طبیعت بوسه ای بسه لطافت بوسه فرشتگان آسمانی میزنند این بوسه مستی بخش و ملکوتی دهان زیبا و خوش ترکیب گلهای نشکفته را بخنده ای چنان آسمانی باز میکند که خداوند در ملکوت اعلی از این مسرت گلهای شادی ابدی میابد و به فرشتگان ندا میدهد که برخیزید و عطر روحپرور بهشتی را بر سر و صورت این خلقت بدیع ما بهاشید تا جهان در این بهار زندگی رنگ و بوی ما گیرد و مظهری از لطافت روح ما شود . در این هنگام فرشتگان و ملائک جشنی چنان پرشکوه و جلال دارند که فقط در دنیای آرزوی شاعران شوریده دل و صافی قلب نظیرش را میتوان یافت .

بزی است که عطر سحر انگیز محبت و نور جانبخش شادی و صفای جاودانه ازهر سو بر آن میباشد . جلوه ای آسمانی منبعث از ذات پروردگار که جاذبه حیرت انگیز صبح های بهاری از آنست . آن عنصری که در هوای لطیف و بهشتی بهار هست و بر جان آدمی شور و نشاط می باشد از اوست .

حال این بزم پرشکوه یک چیز کم دارد و آن " مهرجهانتاب " است مهری که قرون متوالی بدران روشندل و پاک سرشت ما عاشقانه تراز خدا پرستی ما آنرا پرستیده اند .

مهر سرازبالین بر میدارد و این مجلس خدائی را بر از نور جمیل و زیبا میکند . آنوقت فرشتگان و پرواتنگان و بلبلان مست و گلگلهای مست تراز آنها ترانه ای از ترانه های ملکوت جاودانه عشق و هنر می خوانند و مردم غافل از همه مظاهر زیبایی و جلال خداوند از خواب گران بیدار میشوند و فقط آنها که چشم بصیرتی دارند بایسن جاذبه حیرت انگیز طبیعت پی میبرند . میدانید چرا طبیعت در صبح بهار آنقدر زیباست ؟ زیرا که آوای طرب انگیز عشاق جمال خداوند را می شنود .



# درگه دوست

تقلم : ہوار دگلی آیوز

ترجمہ : ایادی امرتسر جناب ابوالقاسم فیضی

... اکتون کہ این سطور را ہی نویسم داستانی را کہ خانم " لوا گتسینگر " برایم گفته بخاطر ہی آورم . در اوائل انتشار امر حضرت بہا اللہ در امریکا او از جملہ نفوسی بود کہ برای زیارت حضرت عبدالبہا بہ زندان ہیگل مبارک یعنی قشلہ عکا سفر نمود . " لوا گتسینگر " میگفت روز دوم ورود ما ہیگل مبارک فرمودند من امروز بایستی بدیدن یکی از دوستان مریض و بسیار فقیر خود بروم ولی چون خیلی مشغولم مایلیم شما بجای من بروید بعد محل و مکان واورا نشان دادند . ہی گفت من بی اندازہ خوشحال و مفتخر بودم کہ حضرت عبدالبہا ما مور بمن عطا فرمودند . ولی هنوز نرفته مراجعت و بحضور مبارک عرض کردم آقا نمی توانید تصور فرمائید کہہ مرا بچہ محلی اعزام داشته اید . از شدت بوی کفایت و دیدار وضع ناجور آن مرد رنجور ضعف کردہ از آنجا فرار نمودم کہ مبادا مرضی بگیرم . حضرت عبدالبہا با متانت و حزنی نگریستہ فرمودند آیا مایلی بخدا خدمت کنی ؟ باید بخلق خدا خدمت کنی . چہ آنان صورت و شال الہی را ہی یابی و فرمودند مجدد بخانہ آن مرد برو اگر خانہ پاک نیست آنرا پاک کن و اگر این برادرت کیف است او را حمام بدہ اگر گرسنہ است غذا ایش بدہ و مراجعت نکن مگر آنکہ این امور را تماما انجام دادہ باشی من بسیاری از روزها این کار را کردہ ام آیا ممکن است شما یک بار این عمل را انجام دہید ؟ ( ۱ )

( ۱ ) از کتاب " درگہ دوست "

از استاد علی اکبر معمار تودی

داشتم از هجران زیبانگار  
روی زرد و دیده های اشکیار  
سوخت برجانم دل فرزانه ای  
رهنمایم شد سوی میخانه ای  
همره او در خرابیات آمدم  
فارغ از آفات و عسادات آمدم  
تا شدم داخل در این حصن حصین  
گشته بادر دی کشانش هفتین  
و ا رهنیدندم از بنسید و قیود  
سیر دادندم بصرای شهسود  
یار با یاران روحانی شدم  
محرم اسرار پنهانی شدم  
تا که ره جستم بوادیهای جان  
یافتم زانره من از جانان نشان  
چونکه چشم از ماسوی الله دوختم  
شمعها از نار عشق افروختم  
آری آری از پس غم شادی است  
در پس هر بندگی آزادی است

بندگی

و

آزادگی

و

بندگی

و

آزادگی

و

# کیسه سحر آمیز

ترجمه انطوری

اسکنا سی بشخص تازه ای بدهی کیسه اسکاسی هم بخودت خواهد داد . آنگاه آن مرد از نظر موانزا نباید دید شد .

از آن پس موانزا بهرکس که در آن دهکده بود به زنها به مردها وحتى به کودکان اسکاسی میداد و برای خود نیز اسکاسی از کیسه بر میگرفت . سالها بدین منوال گذشت تا اینکه موانزا دید دیگر کسی باقی نمانده که از او پول نگرفته باشد و برای آنکه بتواند اشخاص جدیدی پیدا کند لازم است که کوهها و تپه ها را زیر پا گذارد و از میان جنگلهسا بگذرد و خود را به دهکده های دور دست برساند . موانزا با خود گفت " من حالا دیگر پیر شده ام و به علاوه اهالی سایر دهات از قبیله من نیستند چرا پول خود را به آنها بدهم " موانزا در خانه نشست ولی روز بعد که بدرون کیسه نگاه کرد اسکاسی در آن نیافت و از آن بیعد کیسه همیشه خالی بود .

.....

این قصه را خانم جوئیس لیجیت در کانونشن ۱۹۶۷ زامبیان نقل نموده و چنین نتیجه گرفته است که ایسن حکایت در مورد پیروان امر جمال اقدس ابهی کاملاً مصداق دارد مابهاثیان که به گجی ملکوتی دست یافته ایم باید سایرین را نیز پیوسته از آن نصیبی بخشیم و هنگامی از مواهب امرالله بهره مند خواهیم شد که آنرا در میان سایر نفوس منتشر سازیم چه اگر آنی از این خدمت متوقف گردیم امرالله را از دست خواهیم داد .

روزی مرد دهقانی که " موانزا " نام داشت از مزرعه بخانه باز میگشت . در راه پیر مرد بیماری را دید که در کنار جاده افتاده و ایایی چند بیس از عمر او باقی نمانده است . موانزا پیر مرد را از زمین بلند کرده بخانه خود برد و بمواظبت و پرستاری او پرداخت . چندی بعد پیر مرد او را فراخواند و گفت : " موانزا تو برای من زیاد زحمت کشیده ای برای جبران محبت هایم مایلم پاداشی بتو بدهم . موقعی که از میان بوته ها میگذشتم کیسه سحر آمیز خود را در آنجا پنهان کردم . اگر خوب جستجو کنی آنرا خواهی یافت . میل دارم کیسه را تسو صاحب شوی " . پیر مرد این را گفت و لحظه ای بعد جان سپرد .

موانزا هر روز پس از آنکه کار خود را در مزرعه تمام میکرد به جستجوی کیسه میپرداخت . هفته ها گذشت تا یک وقت در میان بوته ها مردی با جثه کوچک در مقابل او ظاهر شد و باو گفت :

" موانزا من همواره مراقب احوال تو بوده ام . تسو برای یافتن کیسه سحر آمیز سخت به تلاش افتاد های برو . کیسه آنجاست . کیسه سحر آمیزی است که یک اسکاس پنج لیره ای در آن خواهی یافت . اگر این اسکاس را از درون کیسه خارج کنی بعد مشاهده خواهی کرد که اسکاس پنج لیره ای دیگری هم برای تو در کیسه موجود است بشرط آنکه اسکاس اول را به شخص دیگری ببخشی و هر دفعه که

# از خاطرات يك مهربا جر

نوشته: بهوشنگ شایق



با تأییدات جمال اقدس ابهی موفق بسه تشکیل محفل محلی شهری از شهرهای شمال شرقی تایلند شده بودم . با اینکه در این شهر مشغول تبلیغ بودم بنابر احتیاجات تبلیغی می بایست این شهر را بدانها می سپردم و به نقطه دوردست دیگری می رفتم .

با اینکه صد و بیست و سه سال از ظهور آمیت ابهی یا بعبارت دیگر یاسی آن ( معبود بودایمان ) گذشته بود ولی در این نواحی جزاسم بسودا و مراسم ملی و تشریفات و تقالید مذهبی چیزی از دین باقی نبود . خیلی مشکل بود که از دین صحبتی بعیان آید . هر جا حرفی از دین به میان می آمد میگفتند دور بریزید . اما نعی دانستند که این بن جدید با آنچه آنها بنام دین میشناختند بسیار فرق دارد . دینی است جهانی و اهداف عالی دارد . غافل از آن بودند که تأییدات جمال قدم ضعیف ترین و ناچیز ترین بندگانش را موفق به فتح قلوب همین نفوس که از دیسن و خدا گریزانند خواهد کرد .

روزی که بسوی شهر سونکلا مرکز جنوب تایلند می آمدم من بودم و چند دلار پول و ایمان به این که بایست

بوشیده از سرو و کاج داشت که این زیبایی را دو برابر میکرد . در این شهر احتمال پیدا کردن کنار صخر بود نه کارخانه ای داشت نه شکر کتهای بزرگ تجارتي در این محل شعبه ای داشتند يك راه وجود داشت . تدریس زبان انگلیسی بطور خصوصی برای اینکه سه ماه از سال تحصیلی میگذشت و در مدارس کار گیر نمی آمد . تازه تدریس خصوصی هم ساده نبود باید چند ماه می ماندم تا با مردم آشنا میشدم بعد شاگرد میگرفتم .

با این وصف بیش از پانزده روز مهلت نداشتم برای اینکه مجبور بودم در هتل بمانم و خرج هتل هم زیاد میشد . اگر می خواستم بنویسم پول بفرستند مدتی طول میکشید . مشکل زبان هم یکی دیگر از مشکلات بود . با اینکه زبان محلی را خوب میدانستم ولی اهل این محل تلفظ خاصی داشتند .

روز دوم اقامت در شهر به امید خدا در خیابان راه می رفتم ناگاه بدون هدف و مقصدی لبخند زدم . مردی که آن طرف خیابان رد میشد تصور

تبلیغ کرد استقامت نمود آنوقت تائید میرسید و موفقیت حتمی است .

با ذکر یا بها\* الله به امید تو وارد قطار شدم و بسوی شهر سونکلا راه افتادم در دل میگفتم " اگر عنایتت رسد قطره دریا شود ذره آفتاب گردد " و الا این ضعفا را چه توانائی که موفق بخدمت آستانت گردند . در این افکار بودم که مسافر کاریم از هدف مسافرتم برسید . منظوم را برایش گفتم . باو گفتم که فرسنگها راه آمده ام تا بشارت ظهور موعودتان را بشما بدهم بقدری تعالیم بهائی مورد توجهش قرار گرفت و اظهار خوشوقتی کرد که مسافرین دیگر هم آمدند و ده ها نفر که در آن واگن بودند دور حلقه زده گوش می دادند .

بعد از پایان صحبت به آنها جزوات امری دادم . تمام آن روز و شب در قطار صحبت تبلیغی بود . فردای آن روز به شهر مورد نظر یعنی سونکلا رسیدم . شهری بود در نهایت زیبایی از شهرهای ساحلی تایلند و تپه های سرسبز و کرانه های



# جواب مسابقه

## شماره ۱۰

چنانکه خوانندگان عزیز مستحضرنند چندی است در هر شماره این نشریه مسابقاتی از کتب مختلفه امریه طرح گردیده است. مسابقه شماره ۱۰ سنه ۱۲۴ بدیع از کتاب خطابات مبارکه حضرت عبدالبها<sup>۱</sup> بوده است و جایزه آن بـه منوچهر جواهری از اصفهان تعلق گرفته و یک جلد کتاب الواح نازله خطاب به ملوک و رؤسای ارض برای ایشان ارسال شده است. سوالات و جوابهای صحیح مسابقه مزبور به شرح زیر است:

- ۱- اقسام ترکیب را نام ببرید و ذکر کنید که ترکیب کائنات بر اساس کدام یک از آنها است؟
- ترکیب یا الزامی است یا تصادفی یا ارادی و اساس کائنات بر ترکیب ارادی است.
- ۲- در لوح پروفیسور فورال مقصود از طبیعیون تنگ نظر چه کسانی هستند؟
- طبیعیون تنگ نظر کسانی هستند که به حواس خمسہ مقید و میزان ادراک نزد ایشان میزان حس است که محسوس را محتوم شعرند و غیر محسوس را معدوم و یا مشبوه دانند حتی وجود الوهیت را بکلی مضمون نگردند.
- ۳- حضرت عبدالبها<sup>۱</sup> بعد از حبس چهل ساله در چه سالی به بلاد غرب عزیمت فرمودند و در چه مجامعی حضور یافتند؟
- در سال ۱۹۱۱ میلادی و در جامع مذهبی

کرد من از دوستان خارجی او هستم که مدتها است او را ندیده ام و او مرا بجای نیاورده ولى من به او لبخند زده ام. پیش آمد و احوال پرسی کرد بعد که متوجه شد اشتباه کرده عذرخواست بلو گفتم "عذر خواهی موردی ندارد منم میتوانم دوستی برای او باشم." این شخص که خودش معلم بود مرا به دبیرستانی راهنمایی کرد که بروم و تقاضای کار کنم.

مدیر مدرسه با محبت مرا پذیرفت. بعدها که مو<sup>۲</sup> من شد میگفت نمی دانم چه نیروئی در همان بر خورد اول محبت ترا در دل من ایجاد کرد و با آنکه معلم احتیاج نداشتم ترا پذیرفتم. این محبت چیزی جز تائید نبود و این تائید روز به روز بیشتر میشد. تا جایی که امروز در ایسن شهر مردم با اسم بهائی آشنائی دارند و حتی آنهایی که بهائی نیستند از این که با دیدن جدیدی آشنا شده اند مفتخر و مسرورند.

همین تائیدات بود که موفق شدیم در رضوان ۱۲۴ اولین کاننشن محلی این شهر را در دفتر همین دبیرستان تشکیل دهیم و اعضای محفل محلی را که بیشتر معلمین همین مدرسه بودند انتخاب کنیم.

حالا این مدرسه تقریباً یک مرکز بهائی است و اگر کنفرانسهای تبلیغی و حتی جلسات محفل در اینجا تشکیل میشود.

اگر دوباره باین محل بروم در کلاسها بجای کتابهای درسی انگلیسی میتوانم تاریخ امر را به انگلیسی تدریس کنم. به حقیقت باید ایمان داشته باشیم اگر تائید نرسد ابواب تبلیغ هرگز گشوده نگردد.

..... جواب مسابقه .....

منعقد در کلیساها و انجمنهای مسیحیان و معابد و کنیسه های یهودیان و مجامع علمی منعقد در دانشگاهها و دارالفنون ها و تالارهای سخنرانی و غیره بیاناتی ایراد نمودند .

۴ - خطابه ای که در انجمن تیوزوفیه های شهر نیویورک ایراد فرمودند اساس ادیان الهی را چه چیز دانستند ؟

اساس ادیان الهی را به ترتیب وحدت ایجاد وحدت اجناس و حدت اوطان و وحدت سیاست بیان فرمودند .

۵ - مقصود از پیغمبر اصحاب الرس که در قرآن ذکر شده کیست و محل اظهار امرش کجاست ؟

حضرت زردشت و محل اظهار امر آن حضرت در آذربایجان است .

۶ - دو دلیل از اثبات بقای روح را بطور خلاصه ذکر کنید .

۱ - در جمیع کائنات اول وجود است بعد اثر معدوم اثر حقیقی ندارد اما ملاحظه میکنید نفوسی که دو هزار سال پیش بودند هنوز آثارشان بی دریغی پیدا میگردد و مانند آفتاب می تابند . حضرت مسیح هزار و نهصد سال قبل بود الان سلطنتش باقی است این اثر است و اثر بر شئی معدوم مترتب نشود اثر را لابد وجود مؤثر باید .

۲ - مردن چه چیز است ؟ مردن این است که قوای جسمانی انسان مختل شود . چشمش نبیند گوشش نشنود قوای دراکه نمائند وجودش حرکت ننماید با وجود این مشاهده مینمائی که در وقت خواب با وجود آن که قوای جسمانی انسان مختل میشود باز میشوند ادراک میکند می بیند احساس مینماید این معلوم است که روح است که می بیند و جمیع قوا را دارد و حال آنکه قوای جسمی مفقود است پس بقای روح منوط به جسد نیست .

۷ - مقصود از این بیان که میفرماید در ابتدا کلمه بود و کلمه نزد خدا بود و کلمه خدا بود چیست ؟

منظور حضرت مسیح است .

۸ - علت احتجاب نفوس از مظاهر مقدسه چیست ؟

۱ - شخص موعود را در کتاب مقدس شروطی مذکور که آن شروط کلام رمزی است نه مفهوم لفظی و چون به حسب مفهوم لفظی گرفتند لهذا امراض و استکبار کردند و گفتند این موعود آن موعود نیست .

۲ - در مظاهر الهیه دو مقام است یک مقام بشر است و دیگری مقام رحمانی نورانی مقام ظهور و تجلی رانی مستور است و مقام بشریت ظاهر خلق آن حقیقت مقدسه را ظاهر در هیکل نبی بینند قوه روح القدس را نبی بینند نظریه بشریت میکنند و چون می بینند در مقام بشریت مشترك با سایرین می خورند می خوابند مریض میشوند نا توان میگردند لهذا قیاس بنفس خود نموده میگویند اینها مثل ماها هستند .





## مسابقه این شماره

از چندی پیش در هر شماره نه سو\* ال از مطالبیک کتاب انتخاب میکنیم که اگر آن کتب را بخوانید می توانید به آنها جواب بدهید . به حکم قرعه به یک نفر از کسانی که به این سو\* الات پاسخ صحیح بدهند جایزه تقدیم خواهد شد . سو\* الات این شماره از کتاب مقاله شخصی سیاح انتخاب شده و جایزه آن یک جلد کتاب " درکه دوست " ترجمه ایادی محترم امرالله جناب ابوالقاسم فیضی است .  
جوابهای خود را به آدرس ( طهران صندوق پستی ۱۲۸۳ - ۱۱ ) ارسال فرمائید .

۱- محمد شاه چه کسی را مأمور تحقیق در امر بابی نمود و کدام سوره به استدعای این شخص تفسیر شد؟

۲- ملا محمد علی زنجانی که بود و بعد از ایمان چه عبارتی از زبانش جاری شد؟

۳- چه پیش آمدی سبب اجتماع اصحاب در قلعه شیخ طبرسی شد؟

۴- حضرت رب اعلی قبل از خروج از چهریق امانتی به یکی از اصحاب مرحمت فرمودند که بشخصی برساند . این شخص و همچنین واسطه ارسال که بود؟

۵- چگونه توظفه ای که در بغداد علیه بابیان ترتیب داده شده بود باطل شد؟

۶- هر نفسی که اراده نصرت نماید اول وظیفه اش چیست؟

۷- حضرت بهاء الله در لوح سلطان چه پیشنهادی به سلطان ایران میفرمایند؟

۸- در لوح سلطان اشاره گردیده که انبیا بیوسته محل اعراض و اعتراض ناس قرار گرفته اند برای اثبات این بیان بچه آیاتی از قرآن استناد شده؟

۹- دو برادری که در اصفهان بدستور امام جمعه شهید شدند چه نام داشتند و علت شهادتشان چه بود؟

.....

به هر یک از کسانی که به پنج مسابقه از این سلسله مسابقات جواب بدهند نیز جایزه ای جداگانه تعلق خواهد گرفت .

برای بهتر زیستن (بقیه از صفحه ۱۶۸)

دوست خواننده من اگر اینطور هستی فردی هستی عادی باید سعی کنی بهتر شوی .  
سال گذشته يك جوان ۱۹ ساله از دانشگاه معروف دکترای ریاضیات گرفت و اکنون در دانشگاه  
استانفورد تدریس میکند . همین ماه گذشته يك جوان ۱۶ ساله از دانشگاه درجه مهندسی بسا  
امتياز گرفت . در روز ۱۵ جون در مراسم فارغ التحصیلی دانشگاه برکلی جوانی را معرفی کردند که در همه  
درسها بدون استثناء نمره ۱۰۰ که معادل نمره ۲۰ ماست گرفته بود ( البته در تمام مدت چهار سال  
تحصیل در رشته مهندسی ) .

حضرت ولی امرالله در ۲۴ سالگی تمام امور جامعه جهانی بهائی را بعهده گرفتند . حضرت عبدالبهاس  
در ۱۴ سالگی حدیث تفسیر فرمودند و حضرت رب اعلى در ۲۵ سالگی اظهار امر نمودند و تزلزل در ارکان  
عالم انداختند . روح الله در ۱۲ سالگی باب الباب در ۳۶ سالگی و طاهره در ۳۵ سالگی شهید شدند .  
قدوس در ۲۱ سالگی به حضرت رب اعلى مؤمن شد و در کمال رشادت و شهامت جام شهادت نوشید .  
باسکال قبل از ۳۰ سالگی ده ها فرضیه عرضه کرده و بتهون از یازده سالگی شروع به مسافرت و دادن -  
کسرت نمود .

شرح حال بزرگان را بخوانید تا خود بر این امله بیفزائید و از خود نیز مثال بسازید .